



انترناسیونال ۴۲۵

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۳ آبان ۱۳۹۰، ۴ نوامبر ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

فردا ۵ نوامبر تظاهرات در ۳۰ شهر جهان برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران!

صفحه ۶



Free Them Now

یادداشت سردبیر
باز هم رجز خوانیهای جنگی

کاظم نیکخواه

یک بار دیگر این روزها بحث جنگ و حمله نظامی به جمهوری اسلامی از جانب غرب و ناتو و یا اسرائیل بالا گرفته است. سران جمهوری اسلامی نیز سخن از حملات تلافی جویانه میکنند. تفسیرها و گزارشهای متعددی دارد این را انعکاس میدهد که خطر درگیری نظامی جدی است. رادیو فردا از قول گاردین اینطور میگوید "روزنامه گاردین به نقل از منابع خود گزارش داده است که ارتش بریتانیا خود را برای حمله به ایران آماده می کند. گاردین گزارش کرده است نیروهای مسلح بریتانیا، با توجه به افزایش نگرانی ها از برنامه اتمی ایران، در حال بهبود بخشیدن به طرح های احتیاطی خود برای حمله احتمالی ایران هستند. این روزنامه می نویسد وزارت دفاع بریتانیا، معتقد است ایالات متحده ممکن است تصمیم بگیرد که طرح های حمله موشکی به برخی از تاسیسات مهم ایران را به جلو بیندازد. به نوشته گاردین، مقام های بریتانیایی می گویند، اگر واشینگتن به دنبال اجرای این طرح ها باشد، به رغم تردیدهای عمیق در دولت ائتلافی، خواستار کمک این کشور خواهد شد..." برخی خبرگزاریها خبرها و شایعاتی را منتشر کردند که نشان میدهد نخست وزیر دست راستی اسرائیل نتانیاهو مصر است به تاسیسات اتمی ایران حمله نظامی کند و ارتش اسرائیل دارد خود را برای این حمله آماده میکند و از موشکهایی با کلاهکهای اتمی نیز استفاده

صفحه ۳

جنبش اشغال نیازمند تحریک و رهبری است
دو سؤال از حمید تقوایی در مورد جنبش اشغال وال استریت

انترناسیونال: حمید تقوایی جنبش "وال استریت را اشغال کنید" ظاهرا دارد ابعاد تازه ای به خود میگیرد. در شهر اوکلند کالیفرنیا اشغالگران فراخوان اعتصاب عمومی دادند

صفحه ۲

مصاحبه با عبدالله اسدی دبیر فدراسیون
سراسری پناهندگان ایرانی

در مورد جنبش دفاع از پناهندگان در سوئد و نقش فدراسیون انترناسیونال: روز ۲۸ اکتبر (۷ فدراسیون سراسری پناهندگان آبان) تظاهرات بزرگی در استکهلم سوئد به ابتکار

صفحه ۱۲

ادامه اعتراضات در دانشگاهها

در ادامه اعتراضات دانشجویان در دانشگاهها در شهرهای مختلف، دوشنبه این هفته ۹ آبان بیش از ۴۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه بین المللی شهرهای مختلف، دوشنبه این

صفحه ۴

صفحات دیگر

۴ گزارش از ۴ فعالیت مهم در هفته ای که گذشت - حضور فریده آرمان و مینا احدی در کنفرانس بزرگی علیه آپارتاید جنسی در ایتالیا - مارش باشکوه ۲۸ اکتبر در دفاع از حق پناهندگی در خیابانهای استکهلم - شب افتتاحیه مسابقه هنری قانون برابر برای همه با شرکت مریم نمازی - سخنرانی شیوا محبوبی در کنفرانس بین المللی بررسی جنایات رژیم اسلامی علیه بشریت، در شهر ماینز آلمان صفحات ۱۴-۱۰
چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران، صفحه ۹
اخباری از کمپین برای آزادی کارگران زندانی صفحه ۸



دنیا را علیه جمهوری اسلامی بسیج میکنیم
مینا احدی، صفحه ۱۱

بار دیگر انعکاس صدای مردم ایران در ایتالیا
گفتگو با فریده آرمان، صفحه ۱۲

اختلاس هزار میلیاردی در تامین اجتماعی

شهلا دانشفر که خبر از دزدی های میلیاردی سران رژیم بر ملا نشود. و در آن پای رئیس دولت، وزرا، مقامات وابسته به رهبری و غیره و غیره در میان نباشد. بخش های مختلف حکومت اجتماعی رو میشود. روزی نیست

صفحه ۳

از اشغال وال استریت تا اعتصاب عمومی در اوکلند!

محسن ابراهیمی، صفحه ۴

به منجلاب سرمایه پایان دهیم

فرح صبری از ایران، صفحه ۶

بازتاب هفته

در حاشیه مضحکه ۱۳ آبان جمهوری اسلامی!

رویدادهای منطقه در یک نگاه!

محمد شکوهی

آیت الله ها به "طیب روانی" مراجعه کنند!

یاشار سهندی

صفحات ۶-۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنبش اشغال نیازمند ...

از صفحه ۱



سخنرانیها از ضدیت با وال استریت فراتر میرود و بیشتر و بیشتر خصلت ضد سرمایه داری به خود میگیرد. از نظر ابعاد، این حرکت شهرهای بیشتری را در بر میگیرد و حتی از آمریکا فراتر رفته و به کشورهای دیگر هم سرایت کرده است. شما ارزیابی تان از این جنبش و روند گسترش آن چیست؟ هم از نظر طبقاتی و اجتماعی و هم از نظر زمانی و جغرافیایی

حمید تقوائی: روشن است که این جنبشی علیه وضع موجود است. علیه سیستم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجود در آمریکا و در دیگر کشورهای غربی. هم در مضمون (شعارها و پلاکاردها و پوسترهای خیابانی و هم چنین متن بیانیه ها و اطلاعیه ها و نظراتی که از طرف فعالین این جنبش مثلا در سایت رسمی جنبش اشغال وال استریت منتشر شده) و هم در شکل اعتراض (اشغال میداين و خیابانها) بروشنی میتوان خصلت "ضد سیستمی" جنبش را مشاهده کرد. برخی انتقاد میکنند که این جنبش مطالبات معینی مطرح نکرده است و این را يك نقطه ضعف این حرکت میدانند ولی به نظر من نکته مهم اینست که جنبش اشغال يك جنبش مطالباتی نیست، بلکه جنبشی است که کل نظم موجود را قبول ندارد و علیه کل سیستم است. این جنبش اعلام کرده است که منافع ۹۹ درصد علیه يك درصد را نمایندگی میکند و بیانیه ها و سخنرانیهای فعالین این جنبش بروشنی به بخشی اطلاق میشود که نه تنها بخش اعظم ثروت بلکه کل مراکز قدرت و تصمیم گیری را نیز در اختیار دارد، یعنی در واقع اسم دیگری برای طبقه حاکمه است. مثلا جنبش اشغال کرده است که دو حزب دموکرات و جمهوریخواه را احزاب وال استریت و مدافع منافع يك درصدی ها میدانند و توهمی به سیستم پارلمانی و انتخاباتی موجود ندارد. چند ماه پیش در جریان اشغال میدان سل مادرید فعالی اعلام کرد "رویای ما از صنلوق رای بیرون نیاید" و این به نظر من حرف دل تمام کسانی است که امروز در وال استریت و در نقاط دیگر دنیا جنبش اشغال را

مضمون و محتوی جنبش خوانائی دارد. یعنی جنبشی که نه علیه این یا آن کمبود و مساله معین است و نه حتی صرفا علیه يك دولت معین. بلکه علیه يك درصدی ها است. یعنی علیه طبقه حاکمه و سیستم اقتصادی و سیاسی ای است که قدرت را در دست این طبقه نگاه میدارد. به نظر من نفس اینک جنبشی خود را نمایندند ۹۹ درصد جامعه در برابر يك درصد حاکم میدانند خصلت طبقاتی چپ و رادیکال آنرا به نحو صریح و بارزی بیان میدارد.

انترناسیونال: شما به خصلت چپ این جنبش اشاره کردید. این درست است. اما يك مشکل که وجود دارد این چپ تعیین حزبی و سیاسی روشنی در غرب ندارد. در این مورد فکر میکنید چه روندی میتواند طی شود؟

حمید تقوائی: درست است. چپ سیاسی و متحزب نه در آمریکا و نه اروپا در صحنه نیست. و این يك نقطه ضعف اساسی این حرکت است. احزاب و نیروهای سنتی چپ دنیای ذهنی خودشان را دارند و پاسخگوی این حرکت نیستند و چپی از نوع کمونیسیم کارگری که خصلت ضد کاپیتالیستی این حرکت را دریابد و بعنوان نماینده و سخنگوی سیاسی آن قد علم کند متأسفانه هنوز نیروی قابل مشاهده و تاثیر گذاری نیست. بطور مشخص تر در يك ارزیابی عمومی میتوان تاثیر دو نوع نیروی چپ را در این حرکت مشاهده کرد. اول چپی که در دهه های اخیر در حرکتهاى نظیر جنبش آنتی گلوبالیزاسون و ضد جنگ عراق و علیه گروه "جی بیست" فعال بوده است (عمدتا ترولتسکیستها و چپ طرفدار محیط زیست). این نوع چپ که خصلت اساسیش ضدیت با امپریالیسم و مشخصا آمریکا است و نه ضدیت با سرمایه داری، اساسا با همان معیارهای "نسبیت فرهنگی" و "مالتی کالچرالیزم" پست مدرنیستی مد شده در دو دهه اخیر بیدار آمده و از جنبش اشغال و مجمع عمومی، "بگذار صد گل بشکند" و ابراز و نمایندگی شدن همه نقطه نظرات را میفهمد. یکی از شرکت کنندگان در حرکت اشغال تورتو کانادا، که از روز پانزده اکتبر شروع شده و هنوز هم ادامه دارد، تعریف میکرد که در برخورد به سخنرانی ای علیه سرمایه داری یکی از این نوع چپها اعلام کرده است که این نظر ایشان است و ما در

این میدان برای همه نظرات احترام قائل هستیم! نوعی رجعت به هیپیسیم و مسالمت جوئی و احتراز از "خشونت" نیز میتوان در این گرایش مشاهده کرد. البته فعالین حزب ما و برخی نیروهای رادیکال سوسیالیستی نیز در این حرکت دخیل اند اما گرایش عمومی هنوز از يك نقد رادیکال کمونیستی بسیار فاصله دارد.

گرایش دیگر و به نظر من مهم تر و موثر تری که در جنبش وال استریت حضور بهم رسانده است آنارشیسیم است. اعلام اینکه این حرکت رهبری ندارد و نیازی به رهبر ندارد، طفره رفتن از حریت و کلا سازمانیابی سیاسی و عدم معرفی هر نوع آلت راتیبوی برای دولت و نظام موجود از ویژگیهای کلاسیک آنارشیسیم است که تا حدی رنگ خود را به این حرکت زده است.

بد نیست بدانید که یکی از تنورسیسینهای جنبش اشغال وال استریت يك آکادمیسین آنارشیسیت است که حدود سه هفته قبل از آغاز این حرکت برای تدارک جنبش از لندن به نیویورک میرود و چند روز مانده به آغاز حرکت نیویورک را ترك میکند تا بعنوان چهره و رهبر جنبش شناخته نشود! ایشان در سایت خودش از دموکراسی بدون رهبر و بدون دولت صحبت میکند و نقطه قوت جنبش را عدم تعیین حزبی - سیاسی آن میدانند. این نوع حزب گریزی و رهبر گریزی و عدم تعیین و بی چهرگی بمذاق چپ سنتی پست مدرنیست که بالاتر اشاره کردم نیز خوش میاید و ازین نقطه نظر این گرایشات یکدیگر را تقویت میکنند.

اما به نظر من جنبش اشغال بخاطر زمینه ها و ریشه ها و خصلت عینی اش نمیتواند در این چارچوب آنارشیسیتی - پست مدرنیستی محدود بماند. هم اکنون بخشی از فعالین این جنبش پیش نویس برنامه یا پلاتفرم سیاسی خود را منتشر کرده اند و حول این برنامه برای برگزاری يك مجمع عمومی سراسری در آمریکا در ماه جولای سال آینده

فراخوان داده اند. این فعالین اعلام کرده اند که در صورتی که پلاتفرمشان تصویب بشود حول آن يك حزب سیاسی مستقل تشکیل خواهند داد. البته این برنامه و پلاتفرم يك برنامه سوسیالیستی نیست اما حرکتی است مبتنی بر مجامع عمومی و علیه سیستم سیاسی موجود در آمریکا - سیستم دوحزبی دموکرات جمهوریخواه - که میتواند کل وضعیت سیاسی در این کشور را به نفع طبقه کارگر و نود درصدیها متحول کند. جنبه دیگر اهمیت این حرکت البته کنار زدن گرایش آنارشیسیتی و تحزب و رهبر گریزی رایج در این جنبش است.

نکته آخر اینکه جنبش کارگری در آمریکا نیز تحت تاثیر جنبش وال استریت دارد بخود حرکتی میدهد و ابراز وجود میکند. يك فعال اتحادیه کارگران بندر اوکلند در مصاحبه ای با تلویزیون "دموکراسی الان" در مورد فراخوان اعتصاب عمومی در این شهر از اینکه جنبش کارگری آمریکا بیش از حد مشغول مسائل اتحادیه ای بوده و برای مدت طولانی از جنبش عدالت اجتماعی دور بوده است انتقاد میکند و اعلام حمایت اتحادیه ها از جنبش اشغال را يك نقطه عطفی در جنبش کارگری این کشور میدانند. او میگوید يك درصدی ها سرمایه دارن هستند و جنبش وال استریت حرکتی علیه سرمایه است.

این خصوصیات پتانسیل بالای این حرکت برای ارتقا یافتن به يك نقد و اعتراض آگاهانه رادیکال و متحزب علیه نظام سرمایه داری را نشان میدهد. روشن است که این جنبش بدون تحزب و بدون نمایندگی شدن در عرصه سیاست و بخصوص مبارزه برای قدرت سیاسی راه بجائی نخواهد برد و فعالین این حرکت به سرعت به این واقعیت پی میبرند. این شرایط همانطور که گفتیم به يك نیروی چپ رادیکال، سیاسی و د خالتگر از نوع کمونیسیم کارگری نیازمند است و خود زمینه های شکلگیری و عروج این چپ را نیز فراهم میآورد.

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلاپی بدل میشود!

اختلاس هزار میلیاردی

در ... از صفحه ۱



شهلا دانشفر

می‌بردند هیئت رئیسه مجلس از ادامه تحقیق و تفحص جلوگیری کرد. و بر این نکته تاکید میکند اگر فعالیت این تیم تا ۶۰ روز دیگر ادامه پیدا میکرد، میتوانستند بیش از سه هزار میلیارد تومان اسناد و مدارک تخلف در این شرکتها را اثبات کنند. در ادامه این سخنان او در مورد دلایل تاخیر ارائه گزارش کمیته تحقیق و تفحص مجلس از سازمان تامین اجتماعی میگوید: "چالشهای پیش رو در این پرونده آنقدر زیاد است که بنده با وجود اینکه دو دوره نماینده مجلس شورای اسلامی بوده‌ام در این هشت سال هیچ موردی مانند تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی اینچنین سیاسی نشده بود."

جعفر زاده در قسمت دیگری از سخنانش در مورد مخالفت هیات رییس مجلس با پیگیری این پرونده میگوید: "حتی زمانی که از یک شرکت خواستیم تا اسناد بالذات کلیفی ۷۰ میلیارد تومان از سرمایه خود را ارائه کند هیئت رئیسه مجلس دستور داد تا

کار همانجا متوقف شده و دیگر ادامه ندهیم". و روشن است که وقتی پای دخالت هیئت رئیسه مجلس پیش می‌آید، دلیلش ربط دزدی‌ها به بالاترین سران حکومت و به احتمال زیاد بیت خامنه‌ای است.

این خبر حاکی از اینست که کل سرمایه‌های تامین اجتماعی به شرکت‌های کوچک و بزرگی تبدیل شده است که به تملک آقازاده‌ها و بستگان مختلف سران حکومت درآمده است. از جمله به نمونه‌هایی اشاره میشود که یک نفر عضو هیات مدیره ده شرکت است. از جمله موارد دیگری که جعفرزاده در این پرونده برملا میکند، یکی از این شرکتهاست که مدیر آن کارخانه را بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان اضافه بر قیمتش خریداری کرده و بعد بعنوان "تشویق و پاداشهای" ۴۵۰ میلیون تومانی تا یک هزار سکه به برخی افراد و کارکنان سکه هدیه داده است. این دزدی‌های کلان و هنگفت بخش کوچکی از دزدی‌های درون حکومت است که در دعوای

درویشان چنین برملا میشود. این دزدی‌ها از موجودی محلی صورت گرفته است که اسامی تامین اجتماعی است و طبق همین گزارشات از چپاول اموال سی میلیون بازنشسته که به شرکت‌های فامیلی تبدیل شده است، سخن در میان است. کارگرانی که در فقر مطلق بسر می‌برند و بعد از سالها کار و تلاش امروز در بازنشستگی و اوج محرومیت بسر می‌برند. کارگرانی که حتی از امکان درمان و تامین زندگی اولیه‌ای ناتوانند. کارگرانی که بارها و بارها شاهد تجمعات اعتراضی آنها بخاطر تعویق پرداخت بملق مقرر ماهانه شان و یا سطح نازل حقوق بازنشستگی ماهانه شان بوده ایم. کارگرانی که سالها کار کرده‌اند و امروز در فقر مطلق بسر می‌برند و حتی در تعیین میزان مقرر سال ۹۰ این کارگران تنها ۶ درصد به سطح حقوق ماهانه آنها افزوده شد. بطوریکه در اعتراض به این موضوع این کارگران بارها و بارها دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگرانی که بنا بر آمار خود

دولت هشتاد درصد آنها زیر خط فقر و با حقوقی حول و حوش ۳۵۰ هزار تومان زندگی میکنند. آنچه در تامین اجتماعی میگذرد و دزدی‌های میلیاردی در آن، داستان بخش عظیمی از مراکز کارگری و اقتصادی کشور است که در چنگ مشت‌مفتخور حکومتی است که از قبل کار کارگران و کل مردم میلیاردها پول به جیب می‌زنند و به راحتی حقوق کارگر و مردم را بالا میکشد. از جمله ما امروز شاهد آیم که بخش عظیمی از محیط‌های کار با معضل دستمزدهای پرداخت نشده روبرو بند. در یک کلام جمهوری اسلامی حکومت دزدان و چپاولگران سرمایه دار است که اکثریت کارگران و مردم را به فقر و فلاکت و زندگی‌ای چندین مرتبه زیر خط فقر کشانده است. برملا شدن دزدی‌های میلیاردی اینها و سفره خالی مردم تنها یک راه در مقابل مردم قرار داده است. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود.*

حکومت آن با دادن جان و خون و زندگی خود محافظت و دفاع کرد. جالب اینست که جریانات ناسیونالیست در کشورهایی مثل ایران همیشه ستون پنجم قدرتهای بزرگ بوده‌اند، از دوره قاجار تا پهلوی‌ها را که نگاه کنید نه فقط دربار شاهان محل توطئه‌گری دستگاههای جاسوسی قدرتهای بزرگ جهان علیه مردم بوده و خود این حکومتها و تمام ایادیشان مجری سیاستهای دول خارجی بوده‌اند، بلکه حتی جریانات ناسیونالیست غیر دولتی نیز هرکدام با دولتی خارجی سوسری داشته‌اند. اما همینکه بحث جنگ پیش می‌آید به یک مرتبه خارجی‌ها و بیگانگان نجس میشوند. در برابر این تبلیغات باید قاطعانه ایستاد. هیچ توجیهی برای قرار گرفتن کنار جمهوری جنایت اسلامی قابل قبول نیست. ما مردم از هیچ سوی ارتجاع بهیچ بهانه‌ای دفاع نخواهیم کرد. ما مردم خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم و خواستهای خود را داریم و از آن کوتاه نخواهیم آمد و در هیچ شرایطی تبلیغ کنار این حکومت و دستگاه نظامیست قرار گرفتن را نباید بپذیریم. یعنی نباید اجازه دهیم که اینها حتی در حرف و با گفتن "اگر جنگ شد و اگر اینگونه و آنگونه شد" از کنار جمهوری اسلامی قرار گرفتن دفاع کنند.*

سیاسی را با تحلیل نمیتوان پیش بینی کرد. وقتی که دو طرف سلاحهایشان را بروی هم نشانه رفته‌اند هیچکس نمیتواند تضمین کند که بهیچ وجه گلوله‌ای شلیک نخواهد شد و اگر شلیک شد هیچ کس نمیتواند بگوید ابعاد و دامنه خسارات و تلفات تا کجا خواهد بود. مخصوصا اگر این درگیری با استفاده از سلاحهای اتمی باشد. کشاکش غرب و جمهوری اسلامی سالهاست ادامه دارد و در تمام این سالها خطر جنگ را بالای سر مردم قرار داده است. جامعه ایران در فضایی بسیار نا امن بسر میبرد. زیرا جمهوری اسلامی علیرغم رجزخوانیهای سران بهیچ وجه خطر جدی برای غرب نیست. اما حمله نظامی احتمالی غرب یا ارتش اسرائیل به ایران هرچند هم بگویند که کنترل شده خواهد بود و مناطق نظامی را نشانه خواهد رفت، اما بنا به تجربه روشن است که برای مردم مهلك است و از مردم قربانی خواهد گرفت. هرچه هم این احتمال کم باشد که هست اما بهرحال نفس وجود بالقوه این خطر فشاری بالفعل را مدام بروی دوش مردمی میگذارد که هرروز زیر سیطره حکومت اسلامی زندگی شان دارد در نا امنی و فشارهای گوناگون مجال میشود. راه کنار زدن قطعی این فشار و خطر نیز روشن است که سرنگونی جمهوری

خواهد کرد. سخنگوی کاخ سفید آمریکا روز چهارشنبه در مورد این شایعات حاضر نشد اظهار نظری بکند اما تاکید کرد که کاخ سفید مستقیما راه حل‌های دیپلماتیک را دنبال میکنند. در پی این گزارشها دبیر کل ناتو "اندرس فوگ راسموسن" امروز گفت که ناتو طرحی برای حمله به جمهوری اسلامی ندارد. از طرف دیگر موافقت دولت ترکیه برای نصب رادارهای هشدار دهنده از جانب آمریکا در خاک ترکیه سران جمهوری اسلامی را نگران کرده است و وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز گذشته گفت که "این سامانه نگرانی‌های جدی‌ای را برای جمهوری اسلامی و دیگر کشورهای منطقه به وجود آورده است و دولت ترکیه باید در این مورد توجیه لازم را داشته باشد" احمدی نژاد در مورد این دستگاهها گفت که هدف از نصب این دستگاههای هشدار دهنده محافظت از اسرائیل در برابر حملات تلافی جویانه ایران است.

باز هم رجز خوانیهای ...

از صفحه ۱



همان لحظات است؟ ما قبلا در همین نشریه این تهدیدات را "کشاکش شکست خوردگان" نامیدیم. و بر این تاکید کردیم که نه جمهوری اسلامی در وضعیت مناسبی برای تعرضی سیاسی یا نظامی برخوردار است و نه آمریکا و غرب در چنین موقعیتی قرار دارند. اشاره کردیم به اینکه از یک طرف نتوکنسرواتیستها که بیش از همه در هیئت حاکمه آمریکا بر طبل جنگ و حمله نظامی میکوبیدند و خالق جنگ در عراق و افغانستان بودند، شکست خوردند و به حاشیه رانده شدند. دولت آمریکا در شرایط کنونی هیچ پشتوانه محکمی نه از نظر افکار عمومی، و نه حتی از نظر سیستم دولتی و قانونی و نه مالی برای حمله نظامی ندارد و جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی نیز در حالت تدافعی قرار دارد و در موقعیتی نیست که بخواهد دست به ماجراجویی بزند. بنابراین و بنا بر بسیاری فاکتهای دیگر تحلیلا این گزارشها و تهدیدات و شایعات برای دست بالا پیدا کردن در کشاکش‌های دیپلماتیک است. اما تمام رویدادهای

سوال اینست که آیا این بار خطر حمله نظامی و جنگ و درگیری جدی است؟ چند سال است که این کشاکش به لحظات حساسی نزدیک شده و بعد فروکش کرده است، آیا این نیز از

از اشغال وال استریت تا اعتصاب عمومی در اوکلند!



محسن ابراهیمی

محروم جامعه؟ جبهه بربریت و توحش یا جبهه انسانیت؟

مجمع عمومی سه هزار نفره در اوکلند کالیفرنیا دیروز تصمیم گرفت پنجمین بندر مهم آمریکا در شهر اوکلند را از کار بیاندازد. این واکنشی به توحش پلیس بود. پلیس به صف تظاهرکنندگان یورش برد و جوانی به نام اسکات السون، بازمانده جنگ عراق را شدیداً زخمی کرد. اسکات السون، که خود زمانی در خدمت ارتش آمریکا در عراق بود، امروز به جنبشی پیوسته است که علیه نظام حاکم است و علیه هر گونه خشونت. اسکات السون، جزو هزاران بازماندگان جنگ در عراق و افغانستان است. هزاران نفری که برای میهن پرستی سرمایه داری آمریکا تا زمانی ارزش دارند که در خدمت میلیتاریسم سرمایه داری آمریکا هستند و وقتی این نیاز رفع شد به خیل بیکاران و محرومین جامعه میپیوندند. اسکات اولسون که از صحنه جنگ خونین در عراق به صحنه مبارزه مردم آمریکا علیه نظم حاکم پیدا مضروب شد. واکنش جنبش اشغال به توحش پلیس، اعتصاب عمومی، از حرکت انداختن بندر اوکلند بود.

فراخوان جنبش اشغال با استقبال عمومی مواجه شد. بندر شلوغ اوکلند، یکی از نبضهای اقتصادی نظم حاکم از حرکت باز ایستاد. اما اهمیت این حرکت در چیست؟

جنبش اشغال وال استریت، که امروز به جنبشی سراسری در آمریکا و در جهان گسترش پیدا کرده است، جنبش طبقات محروم است. جنبش جوانان بیکار و کارگران، جنبش توده های وسیعی است که دانشا زیر نظم سرمایه له شده اند. تا کنون، این جنبش اساساً با اشغال و چادر زدن در خیابانها و میدانی نزدیک به مراکز مالی جهان سرمایه داری پیش رفته است. هم مکانهای اعتراض و هم برپا کردن چادر در این محلهها، به نحوی سمبلیک از محتوای رادیکال این جنبش خبر میدهد:

۱- مکانهای اعتراض، یعنی مراکز

تصمیم گیری اقتصاد و مالی نظم حاکم، حاکی از اعتراض علیه نظم موجود است؛ اعتراض علیه مظاهر سرمایه داری معاصر است.

۲- شکل اعتراض، اشغال این میدانی از طریق چادر زدن، یک ابزار قدرت است؛ اعلام یک عزم سیاسی است؛ اینکه این یک تظاهرات خیابانی چند ساعته نیست؛ بلکه اعتراضی ادامه دار است.

۳- یک وجه دیگر اشغال میدانی، در شعار "پارلمانها مال شما، خیابانها مال ما" منعکس بود. با این شعار، جنبش اشغال به درجاتی با توهم تغییر از طریق مکانیسمهای سیاسی پارلمان فاصله میگیرد. (۱)

ابتکار اعتصاب عمومی در اوکلند، میتواند جنبش اشغال را یک گام بلند به پیش برد. به قول یکی از سازماندهندگان، با اعتصاب عمومی میخوانند دندانهای جنبش ۹۹ درصدی را به رخ نظم حاکم بکشند. اعتصاب عمومی، منبع ثروت و قدرت سرمایه و طبقه حاکم را مسدود میکند، و به همان درجه قدرت مانور سرمایه علیه جنبش اشغال را تضعیف میکند و همانقدر میتواند خود جنب اشغال را نیرومندتر کند. یک سازمانده اعتصاب عمومی اوکلند گفت که "مسئله فقط این نیست که ما ۹۹ درصد هستیم و آنها ۱ درصد. مسئله این است که آن ۱ درصد همه ثروتمندان را با استعمار ما ۹۹ درصد بدست آورده اند. ما میخوانیم به مردم جهان نشان دهیم که آنها میتوانند این ثروت را به خودشان بازگردانند."

امروز که مبارزات طبقاتی در گوشه و کنار جهان به سرعت روی هم تاثیر میگذارند، این فقط یک آرزو و آرمانخواهی نیست. این سرعت میتواند به یک واقعیت جهانی تبدیل شود.

فقط یک لحظه تصور کنید، اعتصاب سراسری اوکلند به اعتصاب سراسری در آمریکا توسعه یابد و جنبشهای اشغال در سراسر جهان اعتصابات سراسری در سراسر جهان همراه شود! آیا در این صورت، شریانهای سود و ثروت اندوزی سرمایه با دندانهای تیز طبقه کارگر شکاف برنخواهد داشت؟ آیا در این صورت، نظم سیاسی حاکم و پارلمانها و دستگاههای سرکوش در موقعیت متزلزلتری قرار نخواهند گرفت؟ و آنگاه

ادامه اعتراضات در ...

قزوين با برگزاری تجمع اعتراضی و خودداری از صرف غذا به شرایط حاکم در دانشگاه اعتراض خود را اعلام داشتند. بنا بر خبرها این تجمع که از ساعت یازده و نیم صبح این روز شروع شده بود، تحت کنترل کامل نیروهای حراستی قرار داشت. بر اساس گزارشات منتشر شده در این روز دانشجویان در محوطه اصلی دانشگاه گرد آمدند و با چیدن غذاها به شکل واژه "اعتراض" و خودداری از صرف آن و با شعار های "نه کباب، نه جوجه، این چیه آل بویه"؛ "اه اه غذای بین الملل" "عبدالعلی آلویه" ریاست این دانشگاه و سایر مسئولین دانشگاه را مورد اعتراض قرار دادند.

به گفته برخی از فعالان دانشجویی دانشگاه بین المللی قزوين، با تغییر برخی از مدیران و مسئولان سابق در این دانشگاه، عملاً چهره های کاملاً نزدیک به مقامات اطلاعاتی و امنیتی وارد دانشگاه شده و برخی از پست های دانشگاهی را تصاحب نموده اند. همچنین ریاست این دانشگاه به همراه حراست، بسیج دانشجویی و جامعه و انجمن اسلامی و مجموعه نهادهای امنیتی و سرکوب خود در دانشگاه همواره دانشجویان را زیر فشار قرار داده و دانشگاه تبدیل به محل جولان نیروهای امنیتی و لباس شخصی های رژیم شده است.

از آغاز سال تحصیلی تا کنون یعنی در یکماهه اخیر ما در دانشگاههای امیرکبیر، کردستان، شهر کرد، مازندران، یزد، فردوسی مشهد، شهید بهشتی تهران، کوی دانشگاه تهران، زنجان و برخی دانشگاه های دیگر، شاهد تجمعات اعتراضی دانشجویان در اعتراض به

شرایط برای برداشتن گام بعدی و اصلی مبارزات کنونی، به مصاف کشیدن مستقیم قدرت سیاسی آماده تر نخواهد شد؟ روشن است که سؤال بعدی این است که بدون حزب مستقل طبقاتی کارگران، مستقل از احزاب طبقات حاکم، آیا اصولاً به فرجام رساندن مصاف سیاسی با طبقه حاکم

از صفحه ۱

وضع بد غذا، خوابگاهها، افزایش قیمت غذا و سرویس های ایاب و ذهاب، اجرای طرحهای تفکیک جنیستی و غیره بودیم. یکی از این اعتراضات مهم تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه مازندران در ۱ آبان ماه بود که در آن دانشجویان در اعتراض به مشکلات خود و بخاطر عدم پاسخگویی مقامات دانشگاه نسبت به اعتراض قبلی شان نسبت به پیداشدن کرم در غذای دانشجویان، دست به اعتصاب غذا زده و با چیدن ظرفهای غذا از سلف سرویس تا ساختمان اداری، در مقابل این ساختمان تجمع کرده بودند. حراست و بسیج تلاش کردند که ظروف غذا را جمع آوری کرده و به تجمع دانشجویان پایان دهند. اما موفق نشدند و در خاتمه یکی از دانشجویان با خواندن بیانیه ای خواستهای دانشجویان را اعلام کرد. که رئوس خواستهای دانشجویان دانشگاه مازندران به قرار زیر بود:

- ۱- کاهش نرخ قیمت و بهبود کیفیت غذا
 - ۲- کنترل قیمت اجناس در بوفه های دانشگاه و خوابگاه
 - ۳- افزایش سرویسهای رفت و آمد دانشجویان متناسب با تعداد دانشجویان
 - ۴- افزایش تعداد خوابگاه ها با معیارهای مناسب بهداشتی و رفاهی به میزان تعداد دانشجویان
- و در خاتمه دانشجویان اعلام داشتند که در صورت بی توجهی مسئولین برای رسیدن به مطالبات خود وارد فاز جدیدی از مبارزه خواهند شد.

امکانپذیر است؟ در یادداشتی بعدی به این سؤال باز خواهیم گشت.

۳ اکتبر ۲۰۱۱، ۱۲ آبان ۱۳۹۰

۱- (برای خواندن مقاله ای در باره شعارهای جنبش اشغال وال استریت به این لینک مراجعه کنید:
a422-me-wall street-f.docx

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

زنده باد سوسیالیسم!

بازتاب هفته

در حاشیه مضحکه ۱۳ آبان جمهوری اسلامی!



محمد شکوهی

کشی هایش دیگر سالهاست که پوشیزی ارزشی نداشته و کسی برایش تره خرد نمی کند. در اوضاع و احوال بسیار متحول و پخش انقلابی که در منطقه حکمفرماست، دیکتاتورهای یکی بعد از دیگری به زیر کشیده می شوند و خود جمهوری اسلامی هم در نوبت است، ادعاهای حکومت آب در هاوون کوبیدن است. مردمی که در منطقه به پا خاسته اند و دیکتاتورها را به زیر می کشند، به هر چیزی ممکن است فکر بکنند، هر آینده و نظام سیاسی را در باره فکرش بکنند، قطعا در مورد این یکی، یعنی جمهوری اسلامی فکر دیگر می کنند. جمهوری اسلامی هم یکی از رژیمهای سرکوبگر و دیکتاتورهای خشن سرمایه داری اسلامی است که از فضا مورد نفرت و انزجار مردم ایران و منطقه می باشد. نمایشات حکومتی ۱۳ آبان و معرکه گیریهای ضد آمریکایی حکومتی در شرایطی دارد مطرح میشود که فضای بین المللی بشدت علیه جمهوری اسلامی است و سخن از حمله نظامی به ایران است. حکومت اسلامی با این تلاشها دارد در واقع پاسخ این فضا را میدهد و تلاش میکند که فضای جامعه را به این بهانه تحت تاثیر قرار دهد. این تلاش تماما محکوم به شکست است. این حکومت هرچه از این تلاشها بیشتر بکند بیشتر در اذهان مردم منفور میشود. و به درهم ریختگی صفوفش هم کمکی نمیکند.

رویدادهای منطقه در یک نگاه!

سوریه: ادامه تظاهرات گسترده علیه رژیم سرکوب!

انقلاب مردم سوریه وارد نهمین ماه خود می شود. تظاهراتها و اعتراضات گسترده در اکثر شهرهای بزرگ این کشور بر علیه رژیم اسد در جریان است. سرکوب ها که ظاهرا قرار بود انقلاب مردم را خاتمه داده و رژیم اسد را نجات دهد، به عکس خود تبدیل گشته است. در هفته ای که گذشت تظاهرات های دهها هزار نفری در شهرهای حمص، ادلب و درعا ادامه یافت. روز جمعه ۲۸ اکتبر در جریان تظاهرات دهها هزار نفری مردم حمص نیروهای امنیتی مردم تظاهر کننده را به گلوله بستند. در جریان این حملات ۳۶ نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی

شدند. تظاهرات مردم شهر درعا که در گرامیداشت کشته شدگان برگزار گردیده بود، مورد حمله مزدوران حکومتی قرار گرفته و ۵ نفر کشته و دهها نفر زخمی گشته اند. از اوایل هفته گذشته تا عصر روز پنجشنبه ۳ نوامبر نزدیک به ۵۰ نفر توسط نیروهای امنیتی در تظاهراتهای جاری کشته شده اند. در شهرک های اطراف دمشق تظاهراتهای شبانه در حمایت از مبارزات مردم سوریه، بویژه مردم شهرهای حمص و درعا و ادلب کماکان ادامه داشته است. بر اساس آخرین اخبار پزشک شاغل در بیمارستانی در حمص در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت که نیروهای امنیتی سوریه با ورود به بیمارستان ها زخمی ها را از تجهیزات پزشکی جدا می کنند تا منجر به مرگ آنها شود. به دلیل کثرت زخمی ها بیمارستانهای شهرهای حمص و ادلب با مشکل مداوا رو برو می باشند. نیروهای امنیتی و لباس شخصی ها مدام در بیمارستانها گشت زده و به دلخواه خود محروجان را ضرب و شتم و شکنجه می کنند. برخی از فعالین و چهره های شناخته شده اعتراضات مردمی در شهر حمص که در بیمارستانها بودند، دستگیر و به مکانهای نامعلومی انتقال داده شده اند.

سازمانهای مخالف رژیم اسد سه شنبه اول نوامبر آماری از ابعاد سرکوب ها و وحشیگریهای رژیم اسد ارائه دادند. بر اساس این آمار از آغاز انقلاب مردم از هشت ماه پیش تا کنون بیش از ۴۱۵۰ نفر از مردم در جریان حملات و حشیانه نیروهای امنیتی و ارتش در سراسر این کشور کشته شده اند. در میان کشته شدگان ۱۸۷ زن و بیش از ۱۰۰ کودک دیده می شود. بر اساس آخرین آمار در شهر حمص تا کنون ۱۳۶۹ نفر کشته شده اند. شهر حمص یکی از کانون های اصلی اعتراضات و از مراکز اصلی انقلاب سوریه می باشد. پس از حمص شهر درعا قرار دارد در این شهر تعداد ۷۴۷ نفر درهشت ماه گذشته کشته شده اند. در کنار این کشتار بزرگ از مردم تعداد ۴۳۱ نفر از ارتشیان و سربازان که در اعتراض به سرکوبهای وحشیانه رژیم، صفوف ارتش را ترک و به مردم پیوسته و مبارزه مسلحانه را آغاز کرده اند، توسط نیروهای وفادار رژیم کشته شده اند. سازمانها و تشکل های مردمی، بویژه سایت "شهیدان انقلاب سوریه" تاکید کرده است که اسامی و محل های دفن و نحوه و

شکل جنایات رژیم را تهیه کرده و بخشا فیلمهای ویدئویی از این جنایات در دست دارد. ما سرکوب ها و جنایات توانسته عزم مردم سوریه در ادامه اعتراضاتشان و به زیر کشیدن رژیم اسد را کاهش بدهد. در هفته گذشته نیز تظاهراتهای بزرگی در شهرهای حمص، درعا، ادلب و دمشق برپا گردید.

همزمان با ادامه سرکوب ها از حدود دوهفته پیش اتحادیه عرب در تلاش برپایی گفتگوهایی میان نمایندگان رژیم اسد و مخالفان میباشد. این تلاشها مورد اعتراض مردم قرار گرفته است و در اکثر اعتراضات مردم ضمن محکوم کردن تلاش های اتحادیه عرب، خواهان اخراج رژیم اسد از این اتحادیه و اعمال فشارهای بیشتر برای متوقف کردن کشتار مردم شدند. در حالیکه تلالاهای این اتحادیه برای کشاندن رژیم اسد به پای میز مذاکرات ادامه داشت، سخنگوی این اتحادیه اعلام کرد که دولت سوریه طرح این اتحادیه برای پایان دادن به "بحران سوریه" را با جرج و تعدیل هایی پذیرفته است.

روز دوشنبه ۳۱ اکتبر نبیل العربی دبیرکل اتحادیه عرب اعلام کرد در ادامه تلاش های دیپلماتیک این اتحادیه؛ طرحی را به دولت سوریه و مخالفان ارائه کرده است. طرح اتحادیه عرب در مورد سوریه بر توقف فوری کشتار معترضان، عقب نشینی نیروهای امنیتی از خیابان ها و آغاز گفتگوها بین حکومت و مخالفان در قاهره تاکید کرده و رژیم اسد ظاهرا این طرح را پذیرفته است. بر اساس آخرین اخباری که عصر روز چهارشنبه ۲ نوامبر منتشر شده، رژیم اسد طرح را پذیرفته ولی اما و اگر هایی برای نحوه و چند و چون آغاز گفتگوها، و اینکه از طرف مخالفان چه گروههایی باید در آن شرکت نمایند، گذاشته است. در واکنش به این سیاست اتحادیه عرب نیروهای مخالف رژیم اسد که در بر گیرنده نیروهای مخالف مستقر در ترکیه و اروپا می باشند، سیاستهای متفاوت و بخشا متناقضی اعلام کرده اند. اپوزیسیونی که در ترکیه می باشد موافق آغاز گفتگوها می باشد و لی اپوزیسیونی که در اروپا می باشد، هنوز موضع رسمی اش را اعلام نکرده است. "جریان موسوم به "شورای انتقالی سوریه" که در ترکیه قرار دارد، بیشترین تلاش ها و تقلاها را برای آغاز گفتگوها به حمایت ترکیه و بخشا آمریکا در دستور خود گذاشته است.

مدلی که اینها دنبالش هستند مدل شورای انتقالی لیبی، البته فعلا بدون دخالت ناتو می باشد.

در این میان اما فعالین سیاسی و سازماندهندگان اعتراضات در داخل سوریه به همراه میلیونها نفر از مردم این کشور خواهان سرنگونی رژیم اسد بوده و بر ادامه مبارزاتشان تا سرنگونی تاکید گذاشته اند. از نظر مردم اتحادیه عرب با این سیاست در صدد خرید فرصت برای رژیم اسد برای کشتار باز هم بیشتر مردم می باشد.

مصر در حال و هوای انتخابات وعده داده شده!

در مصر بعد از گذشت بیش از هشت ماه از سرنگونی رژیم مبارک مبارزات سیاسی و اعتراضات مردم در اشکال مختلف ادامه دارد. در منطقه المهار که بخش بزرگ صنعت نساجی مصر قرار دارد اعتراضات و مبارزات کارگری در جریان می باشد. در شهرهای قاهره، لوکسور و اسکندریه احزاب و سازمانهای اجتماعی درگیر جریان محاکمه سران رژیم بوده و خواهان تسریع در روند محاکمات می باشند. در همین حال مصر بعد از مبارک وارد فضای انتخابات شده است. بر اساس تصمیم شورای نظامیان که قدرت را در دست دارد، قرار شده است انتخابات مصر روز هفتم آذر ماه، اوایل ماه میلادی دسامبر برگزار شود. در این انتخابات بیش از ۵۰ حزب و سازمان قرار است شرکت نمایند. مردم و احزاب سیاسی از طیف های گوناگون سیاسی وارد مبارزات انتخاباتی شده اند. در این میان بعد از برگزاری انتخابات تونس و دست بالا پیدا کردن جریان اسلامگرا در این انتخابات، احزاب و جریانهای بخشا چپ نگران تکرار تجربه انتخابات تونس در مصر می باشند. با استناد به نظر سنجی های انجام شده احتمال پیروزی جریان اسلامگرای احوان المسلمین وجود دارد. انتخابات ماه دسامبر در مصر بعد از دهها سال برگزار شده و برای اولین بار در تاریخ معاصر قرار است پارلمان را انتخاب کرده و قانون اساسی جدید رتبهی و نظام آتی را تعیین نماید.

یمن: ادامه جنگ های مسلحانه موافقان و مخالفان رژیم!

همزمان با ادامه تظاهراتهای مردم بر علیه رژیم صالح در شهرهای صنعا و عدن، جنگ مسلحانه میان

بازتاب هفته

آیت الله ها به "طبيب روانی" مراجعه کنند!

یاشار سهندی

آیت الله مکارم شیرازی در جواب خانی که شرایط ازدواجش را مطرح کرده بود اینچنین نوشته است: "فکر می‌کنیم آنچه نوشته‌اید، منظورتان مزاح و شوخی بوده. هیچ برده‌ای هم در دوران بردگی دارای چنین محدودیتی نبوده و اگر زوجی را پیدا کنید که زیر بار این شرایط برود حتما باید او را به طبیب روانی معرفی کنید." سایت‌های حکومتی از شرایطی که خانم مزبور گذاشته به عنوان "شرایط عجیب" نام بردند و جوابیه آیت الله را "خواندنی" دانستند. "شرایط عجیبی" که مطرح شده در يك جمله خلاصه کنیم این است که تمام حقی را که مردان در يك زندگی مثلا مشترک دارند این زن برای خود خواسته بود. این برای رسانه‌های حکومتی شده بود عجیب و برای آیت الله حکم بردگی مردان را

دارد. اما جالب است همین شرایط را مردان دارند و عملا اجرا میشود اما هیچکس نه آنرا عجیب میدانند و نه بردگی زنان. حالا این خانم چنانکه آیت الله میگوید قصد مزاح داشته یا جدا در پی آن بود "تکلیف شرعی" خود را بداند مهم نیست، اما جوابیه آیت الله ساده و روشن است ایشان اعتراف میکنند که زن برده مرد است و لزومی هم ندارد که کسی طبیب خبر کند هیچ چیز عجیبی اتفاق نیفتاده اما اگر زنی این شرایط را مطرح کند باید به طبیب مراجعه کند که مبادا روانی شده باشد.

همه ما با پروسه دردناک "سنت ازدواج" در ایران بخصوص سنتی که محمد پیامبر مسلمانان بر آن تأکید کرده آشنا هستیم. در پشت آن شادی و هیاهو در جشن عروسی دو طرف وارد يك معامله میشوند که همیشه خدا يك طرف متضرر است. طرف متضرر "میتواند قبول نکند" اما باید قبول کند! چون بخاطر عرف و قانون، سنت، آبرو و اخلاقیات و...

به منجلاب سرمایه پایان دهیم

فرح صبری از ایران

بدبختی‌های ما اضافه شد. دیگر خودش هم تحمل خودش را نداشت که با اصرار من و دلداریهایی من شروع به ترك اعتیاد کرد و من و دخترم به این کارخانه آمدیم تا بتوانیم خرجمان را در آوریم شوهرم به لحاظ جسمی خوب شده بود ولی از لحاظ روحی خیلی بهم ریخته بود. روزها من و دخترم به سر کار میرفتیم و موضوع کار کردن من و دخترم شوهرم را خیلی عذاب میداد. او از اینکه چنین وضعی پیدا کردیم خیلی رنج میکشید. پسر ها پیش او در خانه بودند فکر نمیکردم این بلا به سرمان بیاید. يك روز ما که سر کار بودیم شوهرم خودش را در خانه حلقه آویز کرد و پسران کوچک من شاهد این صحنه دلخراش بودند. تا چند ساعتی پسر بزرگ شوکه شده بود. تا اینکه بیغ میزند و همسایه‌ها را خبر میکنند و آنها هم به ما خبر دادند. باورم نمیشد که دست به خود کشی زده باشد. با این کار ما را هم کشت، بخصوص بچه‌هایم که حال

پای سندی را امضا میکند که در آن با جوهر مرئی و نامرئی نوشته شده است "با لباس سفید عروسی وارد خانه این مرد شدی با کفن هم بیرون میروی". بارها و بارها تأکید شده که زنان با حقوق خود آشنا نیستند. زنان در هنگام ازدواج حواس شان باشد که چی را امضا میکنند شروط خودشان را قید کنند اما به عمد یا سهو فراموش میشود که کل پروسه سنتی ازدواج مسیری است که بردگی زن را در خانه مرد تضمین میکند. مثلا میگویند زن باید هوشیار باشد و خواست حق طلاق را هنگام امضا عقد نامه به نام خود ثبت کند یا هر خواسته‌ای دیگری داشت مطرح کند و امضا بگیرد. کسانی که این شرایط را به عنوان حقوق زن مطرح میکنند بی حقوقی اصلی که زن در يك ازدواج سنتی "حق انتخاب" هیچی را ندارد که حتی همسر خود را برگزیند امر جا افتاده میدانند و گویا فعلا کاریش نمیشود کرد اما میتواند گویا در محضر چک و چانه بزند که فلان حق را به ما بدهید. پروسه ازدواج سنتی مسیری است که زن را از خانه پدري با ساز و دهل و خوبی ندارند. هنوز يك هفته بیشتر از این رویداد نگذشته است. اما ما مجبور بودیم سر کار برگردیم و پسر ها در خانه تنها هستند و دختر بیچاره ام که هنوز ۱۷ سال بیشتر ندارد باید پایه پای من این همه مصیبت را تحمل کند (و اشک امانش نمیداد) حالا به خانه مادر شوهرم رفتیم ولی بچه‌ها روحیه ندارند نمیدانم خوب میشوند یا نه؟! تصور پسر بچه‌هایی که شاهد چنین صحنه‌ای برای پدرشان بوده‌اند بسیار دردناک است. همه اعضای این خانواده احتیاج به کمک‌های روانپزشکی دارند. اما مادرشان که حالا تنها تکیه گاهشان است مجبور است به سرکارش برگردد. لعنت به نظم سرمایه که هیچ حرمتی برای انسانها قائل نیست و فقط به سود آوری خودش فکر میکند. تحمل این اوضاع برای بشر قرن بیست و یک با اینهمه امکانات قابل تصور نیست برای این زن با این همه درد هیچ پناهگاهی وجود ندارد و تصور وضعیت دخترش که در سنین جوانی با چنین مصائبی روبرو باشد درناکتر

رویدادهای منطقه در ...

از صفحه ۵

مخالفان و موافقان رژیم در جنوب کشور ادامه دارد. مرکز اصلی درگیریهایی نظامی شهر تعز در جنوب این کشور می باشد. براساس اخبار و گزارشات منتشر شده روز چهارشنبه ۲ نوامبر نیروهای وفادار به رژیم چندین محله در شهر تعز را با تانک و خمپاره زیر آتش گرفتند. در جریان این درگیریها ۹ نفر از مخالفان رژیم کشته و دهها

رقص یکراست به خانه "شوهر" میفرستد و بردگی کامل زن را رسمیت میدهد. دیگر این زن، نه يك انسان، بلکه "زن مردی است"، جزو املاک مرد است مرد او را، از همه جهات، تصاحب میکنند. چهار دیواری خانه مرد که به داخل آن برده شده به واقع همان گور زن است که با لباس سفید به داخل آن میبرود تا روزی که با کفن بیرون آورده شود. این سوال و جواب که بین يك زن و يك آیت الله صورت گرفته خیلی خلاصه و بسیار مفید شرایط بردگی زنان را به نمایش میگذارد اصلا هم هیچ

است. چنین اتفاقاتی چه بسا هر روز در گوشه‌ای از این منجلاب سر مایه به وقوع میپیوندد. مشاهده یا شنیدن خبر يك مورد شبیه آن باید عزم همه انسانهای شریف دنیا را

برنده جنگ بر سر حجاب ما هستیم!

جنگ بر سر حجاب يك جنگ طبقاتی است. و برنده این جنگ بطور قطع ما هستیم. تاریخ خونبار سی ساله جنگ و کشاکش بر سر حجاب این را بروشنی تأکید میکند که میتوانیم کمر این حکومت وحشی و عقب مانده را از همینجا بشکنیم. میتوانند باز هم "زورشان" را بیازمایند. اما زنان ایران سر تسلیم ندارند. هرروز دارند پرچم این حکومت را زیر پا له میکنند. این جامعه بطور قطع يك روز که چندان دور نخواهد بود حجاب و کل سیاست های ضد زن و تفکیک جنسیتی را دور خواهد انداخت و فریاد خواهد زد "آزادی زنان آزادی جامعه است" و آنرا عملی خواهد کرد.

زنده باد جنبش آزادی زن
مرگ بر جمهوری اسلامی



اساس سوسیالیسم انسان است!

شنبه ۵ نوامبر تظاهرات سراسری برای آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی در ایران ، ۳۴ شهر در ۱۶ کشور (لیست در حال تکمیل است)



هانوفر : شنبه ۵ نوامبر ساعت ۴ تا

۶ بعدازظهر ، محل: Kropke
تماس: ناصر کشکولی 0177
8348592

هامبورگ: شنبه ۵ نوامبر، ساعت

یک و نیم بعدازظهر، محل:
Hamburg
Hauptbahnhof
Glockengießerwall

تماس: نازنین برومند
01724044323

برمن : شنبه ۵ نوامبر، ساعت ۳ تا

۵ بعدازظهر
محل: Ziegenmarkt
تماس: سیامک مکی
01724037035

لاپیزیک: اطلاعات بعدا تکمیل

میشود
تماس: 017629319819

آمریکا:

فیلاڈلفیا : شنبه ۵ نوامبر، ساعت ۱

بعدازظهر، محل:
Love Park, Broad and
JFK Street

تماس: سهیلا نیکبور
2674397185

واشنگتن :

یکشنبه ۶ نوامبر ساعت ۱ بعدازظهر

محل:
2209 Wisconsin Ave
NW, Washington DC

دفتر جمهوری اسلامی در سفارت

پاکستان و از آنجا بطرف

Georgetown، تماس: ماریا روحالی
maria.rohaly@gmail.com

نورژ ، اسلو: شنبه ۵ نوامبر، ساعت

۱ تا ۲ بعدازظهر
محل: مقابل سفارت جمهوری اسلامی

، تماس: صابر رحیمی:
098694001

ابوالقاسم کاردار:
042316278

فنلاند، هلسینکی : شنبه ۵ نوامبر

از ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر

مکان: تجمع ساعت ۲ بعدازظهر در

میدان راه آهن هلسینکی (Helsingin rautatietori) و

راس ساعت ۲ و ۲۰ دقیقه راهپیمایی

به طرف میدان نارینکا (Narinkkatori) واقع در پشت

کانادا:

استکهلم: شنبه ۵ نوامبر، ساعت ۱

تا ۳ مقابل سفارت جمهوری اسلامی ،

تلفن تماس:
Faramarz Ghorbani
0765647616

Göran Gustavsson
0704009033

گوتنبرگ: شنبه ۵ نوامبر، ساعت ۱

تا ۳ در برنز پارک
تلفن تماس: عبدالله اسدی
07317178819

هلسینگبوری: شنبه ۵ نوامبر ۲ و

نیم تا ۵ بعدازظهر، در استور تورت،

تماس: گبی حسینی
0760879874

بوروس : شنبه ۵ نوامبر، ساعت ۲ تا

۴ بعدازظهر، استورا تورت
تماس: اسماعیل مردوخی
0737598566

سوخو : روز شنبه ۵ نوامبر

تماس:
0046700773423
emil:zolfaghriarian4@gmail.com

جزئیات بعدا اعلام میشود

مالمو:

روز شنبه ۵ نوامبر ساعت ۱ تا ۳

بعدازظهر، در Triangel

تماس: حسن صالحی
0703171102

فریده آرمان
0703638088

کارلزکرونا:

شنبه ۵ نوامبر ساعت ۲ تا ۴

بعدازظهر، محل:
Ronnebygatan 43 till i
Centrum

تماس:
Kamrani;amir_ung@yahoo.com

0046704710530046704

nasserkhassae@yahoo.com

0046762835308

انگیس، لندن: شنبه پنج نوامبر،

ساعت ۲ الی ۴ عصر

میدان ترافالگار در مقابل نشنال گالری

و از ساعت ۵ مقابل بی بی سی فارسی

، تلفن های تماس:
07838156819

پهروز بهاری
علیرضا رشیدی،
07712810675

ساختمان کامپی (Kamppi)

تماس:

abroadcommittee@gmail.com

فرانسه، لیون : شنبه ۵ نوامبر

ساعت ۴ تا ۵ عصر، اطلاعات

تکمیلی بعدا به اطلاع میرسد

ژاپن ، توکیو : روزهای ۵ و ۶

نوامبر سخنرانی جمال صابری کادر

حزب کمونیست کارگری ایران و از

فعالین کمپین برای آزادی کارگران

زندانی در مورد کارگران زندانی در ایران

در جلسه اتحادیه کارگران راه آهن دورو

چپبا که با حضور نمایندگان از

اتحادیه های کارگری برزیل، آمریکا و

کره جنوبی برگزار میشود.

قبرس:

لیماسول : شنبه ۵ نوامبر ، تماس:

امیر مسعود خاقانی
96484292

جزئیات بیشتر بعدا به اطلاع میرسد

amirmasoud.khaghani@gmail.com

jonbeshhoghghpanahjo.cyprus@gmail.com

نیوزیا : شنبه ۵ نوامبر ساعت ۱۰

تا ۱۱ صبح

مقابل سفارت جمهوری اسلامی

تماس: امیر مسعود خاقانی
96484292

جزئیات بیشتر بعدا به اطلاع میرسد

amirmasoud.khaghani@gmail.com

jonbeshhoghghpanahjo.cyprus@gmail.com

آتن : شنبه ۵ نوامبر ساعت ۵

بعدازظهر ، محل: دانشگاه پلی تکنیک

آتن- واقع در خیابان پاتیسسیون، تماس:

ناصر آفتابشو

00306957954975

دانمارک- کپنهاگ

شنبه ۵ نوامبر ساعت ۲ تا ۳

بعدازظهر، مقابل سفارت جمهوری

اسلامی

Engskiftevej 6 - 2100

københavn

ترکیه- آنکارا

شنبه ۵ نوامبر، ساعت ۲ تا ۴

بعدازظهر در مقابل سفارت جمهوری

اسلامی ایران- تجمع در پارک قو،

سپس حرکت به سمت خیابان تهران

مقابل درب اصلی سفارت جمهوری

اسلامی ایران- برگزار کننده: انجمن

همبستگی فعالان تبعیدی - ترکیه

تلفن تماس: پری نشاط

00905370158957

ایتالیا ، بولزانو : شنبه ۵ نوامبر ،

جزئیات بعدا به اطلاع میرسد ، تماس:

نینا صادقی

00390471201857

استرالیا ، سیدنی : شنبه ۵ نوامبر،

۱۱ تا ۱۲ ظهر ، محل: تاون هال

لیست در حال تکمیل شدن است.

از همه آزادیخواهان، از همه

نهادهای و فعالین حقوق کارگر و زندانیان

سیاسی دعوت میکنیم که فعالانه در

این آکسیون ها شرکت کنند و یا خود

آکسیون را در شهری که هستند

سازمان دهند و اطلاعات مربوطه را

برای ما بفرستند که به این لیست

اضافه کنیم.

برای اطلاعات بیشتر میتونید به

فیس بوک و سایت ها و ویلاگ های زیر

مرجعہ نمائید:

<http://free-them-now.blogspot.com/>

www.iranpoliticalprisoner.com

<http://on.fb.me/oWSQb8>
www.missionfreeiran.org

اطلاعیه شماره ۸:

تایید ۵ سال حکم زندان برای فعال کارگری بهنام ابراهیم زاده توسط دادگاه تجدید نظر جانیان اسلامی



۵ نوامبر در اعتراض به احکام جنایتکارانه جمهوری اسلامی علیه فعالین کارگری و برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان به خیابانها بیاییم

نیست و از چندین بیماری رنج میسبرد. این درحالی است که نگهبانان زندانهای جمهوری اسلامی حتی این زندانیان را از آب گرم برای استحمام محروم کرده اند. صدای اعتراض خود را علیه سیاستهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی در قبال زندانیان سیاسی بلند کنیم. ۵ نوامبر روز جهانی اعتراض برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان است. تا کنون در سی شهر جهان آکسیونهایی به این مناسبت سازمان یافته است، با پیوستن به این حرکت سراسری، خواستار آزادی فوری بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در بند بشویم.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگری
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۸ آبان ۱۳۹۰، ۳۰ اکتبر ۲۰۱۱

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک، ۱۶ ماه است که در زندان است. جانیان اسلامی ابتدا او را به ۲۰ سال زندان و ده سال

محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم کردند، اما زیر فشار اعتراضات عقب نشستند و حکم او به ۵ سال زندان تبدیل شد. بعد از آن بدنبال اعتراض خانواده او، پرونده به دادگاه تجدید نظر داده شد. اکنون

خبر میرسد که جانیان اسلامی، حکم ۵ سال زندان را برای او تایید کرده اند. بنا بر آخرین خبرها بهنام ابراهیم زاده هم اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین است. وضع جسمی او خوب

اطلاعیه شماره ۹:

شیث امانی و صدیق کریمی دو عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در خطر دستگیری



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر
shahla_daneshfar@yahoo.com,
00447779898968
بهرام سروش
baram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334
baram.soroush@gmail.com
<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

به گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران دادگاه اجرای احکام سندج احکام لغو شده شیث امانی و صدیق کریمی را پس از چهار سال جهت اجرا به آنان ابلاغ کرده است. شیث امانی و صدیق کریمی از چهره های شناخته شده کارگری و اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در مراسم اول ماه مه سال ۱۳۸۶ در شهر سندج به همراه یازده نفر دیگر از کارگران شرکت کننده دستگیر و پس از تحمل حدود ۵۰ روز زندان آزاد شدند. سپس دادگاه انقلاب شهر سندج برای این ۱۳ نفر احکام

زندان و شلاق صادر کرد که مورد اعتراضات وسیعی در ایران و در سطح جهان قرار گرفت و بدنبال آن با حرکت اعتراضی ای که از سوی دستگیر شدگان و اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران، هنگام سفر رئیس قوه قضائیه وقت به شهر سندج صورت گرفته بود، این احکام از سوی رئیس قوه قضائیه وقت لغو شدند. اکنون دادگاه اجرای احکام قوه قضائیه جمهوری اسلامی در شهر سندج بار دیگر این احکام را جهت اجرا به شیث امانی و صدیق کریمی ابلاغ کرده است. در همین رابطه جانیان

اطلاعیه شماره ۱۰:

شاخه استکھلم حزب چپ و شعبه ۳۰ اتحادیه کارگران خدمات اجتماعی در سوئد از اعتراض جهانی ۵ نوامبر برای آزادی کارگران زندانی در ایران حمایت کردند!

حزب چپ سوئد شاخه استکھلم و همچنین شعبه ۳۰ کارگران خدمات اجتماعی در استکھلم، به گروهها و سازمانهای حامی حرکت جهانی ۵ نوامبر در پشتیبانی از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران پیوستند.

این شعار اعتراضات ما کارگران و معلمان است. این خواست قلبی همه ما مردم است. ما مصممیم انقلابمان را تا به زیر کشیدن کامل حکومت اسلامی سرمایه داران و آیت الله های مفت خور و رسیدن به اهداف انسانی مان تداوم بخشیم. ما انسانیم و حق بی چون و چرای خویش میدانیم در جامعه ای آزاد و مرفه و برابر زندگی کنیم. جامعه ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه انسانها اساس آنست. جامعه ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه شهروندان تحت هر عنوانی ممنوع است. آینده از آن ماست.

زنده باد انقلاب انسانی برای يك جامعه انسانی

زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

سازمانهای آزاد و مستقل کارگری و همچنین دستگیری، محاکمه و تحقیر کسانی که برای بهبود شرایط کار و زندگی مبارزه می کنند، محکوم می کنیم.

۳- ما قویا از خواستهای کارگران و مردم ایران برای برقراری آزادیها و حقوق سیاسی، آزادی تشکل و تجمع و ابراز عقیده و همچنین عدالت، برابری و رفاه و برخورداری از يك جامعه انسانی حمایت می کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۱ آبان ۱۳۹۰، ۳ نوامبر ۲۰۱۱

حزب چپ سوئد با صدور بیانییه ای در تاریخ ۳ نوامبر اعلام کرد که از اعتراض جهانی برای آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی در ایران قویا حمایت می کند. آمینه کاکه باوه عضو پارلمان سوئد به نمایندگی از حزب چپ در تظاهرات مقابل سفارتخانه جمهوری اسلامی که قرار است طی آن اتحادیه های کارگری نامه ای اعتراضی تسلیم سفارتخانه کنند سخنرانی خواهد کرد و سپس در مراسم دیگری به همین مناسبت در میدان سرگل استکھلم حضور خواهد یافت. هنیست

مدیره شعبه ۳۰ اتحادیه کارگران خدمات اجتماعی در استکھلم نیز اعلام کرد که به حرکت اعتراضی ۵ نوامبر در حمایت از کارگران ایران می پیوندد.

حزب چپ و شعبه ۳۰ اتحادیه کارگران خدمات اجتماعی در استکھلم اعلام کرده اند:

۱- ما با کارگران ایران اعلام همبستگی می کنیم و خواهان آزادی فوری رهبران کارگری، فعالین اتحادیه ای و زندانیان سیاسی هستیم.

۲- ما رژیم ایران را به خاطر سرکوب

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا به مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود انوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۱۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

مذاکره با کارگران به محل تجمع کارگران آمدند. وی افزود تا خواستهای این کارگران محقق نشود به اعتراضات خود ادامه میدهند.

اعتصاب مجدد رانندگان کامیون در مرز باشماق

بیش از ۳۰۰ تن از رانندگان خطوط ترانزیت مرزی مریوان به کردستان عراق در اعتراض به کاهش سهمیه سوخت کامیونهای باری از ساعت ۱۱ صبح روز ۱ آبان با متوقف کردن کامیونهای خود در ترمینال مرزی باشماق، اعتصاب نموده و از جابجایی هرگونه محموله و کالای صادره به آن سوی مرز خودداری کرده اند. ساعتی پس از آغاز این اعتصاب فرماندار شهر مریوان خود را به محل مذکور رسانده و طی مذاکره و گفتگو با رانندگان اعتصابی و دادن وعده و وعید به آنان تلاش کرد تا به این اعتصاب پایان دهد. اما رانندگان اعلام کردند تا لغو دستور کاهش سهمیه سوخت خودروهای باری، به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. در خبر دیگری آمده است که بدنبال سه روز اعتصاب این رانندگان، این اعتصاب بدون دستیابی به خواسته اعلام شده به پایان رسید.

یادآور شویم که این رانندگان در هفته گذشته این دومین اعتصاب رانندگان خطوط ترانزیت مرزی باشماق طی یک ماه گذشته می باشد.

اعتراض کارگران گامرون صنعت خوزستان

کارگران گامرون صنعت خوزستان که مجری طرحهای انتقال آب رودخانه کرخه است در اعتراضی خواستار دریافت حقوق معوقه ۵ ماهه خود هستند. کارگران فضای سبز شهرداری خرمشهر دست از کار کشیدند-ایلنا خبر داد که کارگران فضای سبز شهرداری خرمشهر که ۲ ماه از حقوق و شش ماه از حقوق اضافه کاری و مزایایشان به تعویق افتاده است روز ۴ آبان در یک اقدام اعتراضی دست از کار کشیدند و در مقابل فرمانداری خرمشهر تجمع کردند.

اعتصاب کارگران سد پناه

طبق خبر منتشر شده از پناه،

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

شوشر دست از کار کشیدند و مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند.

یورش ماموران رژیم به تجمع اعتراضی کارگران کارخانه موتورسیکلت سازی

روز سوم آبان تجمع اعتراضی کارگران کارخانه موتورسیکلت سازی واقع در شهرک صنعتی سمنان مورد هجوم نیروهای انتظامی رژیم در این شهر قرار گرفت. این کارگران که شمار آنان به ۲۵۰ تن می رسیده و طی هفته های اخیر در پی ورشکسته شدن و تعطیلی کارخانه، کار خود را از دست داده و بیکار شده اند، با تجمع در برابر دفتر مرکزی آن ضمن مطالبه ۴ ماه دستمزد معوقه، اعتراض خود را در واکنش به بلا تکلیفی و اوضاع نابسامانی که بر آنان تحمیل شده است ابراز داشتند.

تجمع کارگران شرکت نازنخ و فروخ مقابل دفتر ریاست جمهوری اسلامی

خبرگزاری رژیمی ایلنا روز اول آبان گزارش داد که تعدادی از کارکنان و کارگران شرکت نازنخ و فروخ از صبح دیروز برای چندمین بار در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود در برابر دفتر ریاست جمهوری اسلامی تجمع کردند. یکی از کارگران گفته است ۲۰ ماه است که حقوقمان را دریافت نکرده ایم.

تجمع کارگران کشتی سازی اروندان خرمشهر

روز ۵ آبان کارگران کشتی سازی اروندان واقع در منطقه حفار شرقی خرمشهر، مقابل کشتی سازی، دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران که چند روز پیش هم دست به تجمع اعتراضی زده بودند خواستار ۶ ماه حقوق معوقه خود و هم چنین خواستار حل و فصل مشکل برق این کارخانه که دو هفته است به طور کامل قطع می باشد و کارگران با بیکاری مواجه شده اند، هستند. یکی از کارگران معترض گفته است که بر اثر پافشاری و اعتراضات کارگران فرماندار خرمشهر و مسئول اداره صنایع این شهر که کارخانه کشتی سازی زیر نظر این اداره می باشد جهت

تهدید به سرکوب تجمع اعتراضی کارگران لوله سازی اهواز

روز ۳۰ مهرماه تجمع اعتراضی کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان وارد سومین هفته خود شد. این کارگران ۱ آبان در مقابل استانداری در خیابان فلسطین تجمع کرده و با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. یکی از این کارگران گفته است که مسئولین استانداری به کارگران واجد شرایط بازنشستگی وعده داده اند که مسئله بازنشستگی آنان را حل میکنند، اما ما مصمم هستیم تا تحقق تمامی خواسته هایمان به تجمع اعتراضی خود ادامه دهیم. ۴ آبان اعتراض این کارگران، بنابه خبری که منتشر شده بود، وارد نوزدهمین روز خود شد. همچنین در خبر دیگری که روز ۷ آبان منتشر شده است، کارگران بار دیگر در مقابل استانداری خوزستان تجمع کرده و برای چهارمین هفته متوالی اعتصاب خود را ادامه دادند. از طرف دیگر در یک جمع دولتی به نام "سی و یکمین نشست گروه اشتغال و سرمایه گذاری خوزستان" به اعتراض این کارگران اشاره شده است و استاندار خوزستان با "غیرعادی" قلمداد کردن این تجمع و اعتراضات کارگران، آنها را تهدید به سرکوب کرده است.

تجمع جمعی از کارگران کشت و صنعت کارون مقابل مجلس اسلامی

جمعی از کارگران نی بر و کشت و صنعت کارون که از سال ۶۱ تا ۸۹ مشغول کار بودند و ۹ درصد از حقوق آنها برای حق بیمه کسر می شد برای دریافت حق و حقوق بازنشستگی خود جلوی درب شمالی مجلس اسلامی تجمع کردند. پس از ۲۸ سال کار به این کارگران گفته می شود که برای بازنشستگی باید تا ۶۰ سالگی کار کنید چون پول بیمه شما از ۱۲ ماه سال فقط پول ۹ ماه آن به حساب تأمین اجتماعی واریز شده است. بدین ترتیب در پی عدم محاسبه سنوات بیمه، کارگران کارخانه نی بر کشت و صنعت کارون

کارگران بخش ماشین آلات سد پناه از روز اول آبان در اعتصاب بسر می برند. این کارگران که از فروردین ماه امسال به بعد حقوق دریافت نکرده اند به عدم پرداخت دستمزدهای خود معترض هستند. روز ۴ آبان خبر دیگری منتشر شد که از ادامه اعتصاب این کارگران حکایت داشت.



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

سخنرانی شیوا محبوبی در کنفرانس بین المللی بررسی جنایات رژیم اسلامی علیه بشریت، در شهر ماینز آلمان



شیوا محبوبی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، زندانی سیاسی سابق است که در سن ۱۶ سالگی به خاطر فعالیت‌هایش در عرصه دانش آموزی توسط رژیم اسلامی دستگیر و سه سال و نیم در زندان به سر برد. او در سال ۱۹۹۲ ایران را ترک کرد و به ترکیه رفت. در ترکیه شیوا فعال حقوق پناهندگی بود. سپس شیوا به کانادا رفت و در آنجا مسئول و سخنگوی کمیته دفاع از حقوق زنان

مادر دوست من تنها مادری نبود

که فرزند دلبندهش را از دست داد، هزاران مادر و پدر در حسرت دیدن فرزندشان، در حسرت در آغوش گرفتارانشان روزها و شبها را سپری کردند و هنوز میکنند. هزاران مثل من بهترین دوستانشان را از دست دادند، رژیم پلران و مادران کودکان بسیار زیادی را اعدام کرده‌است و یا به زندان افکنده است.

فراموش نکنیم جنایات رژیم تنها شکنجه و اعدام زندانیان نیست، این جنایات همچنین شامل فشارهای مستقیم و غیر مستقیمی است که بر خانواده‌های زندانیان و جانب‌آختگان و مخصوصاً کودکانشان تحمیل کرده اند؛ در موارد زیادی رژیم خانواده زندانی را دستگیر و تهدید میکند که با رسانه‌ای مصاحبه نکند، اخبار زندان را منعکس نکند و یا آنها را در مقابل زندان مورد ضرب و شتم قرار میدهد.

بعد از اعدامش خانواده اش مراسم برایش برگزار کردند و من هم برای دیدن مادرش به این مراسم رفتم. وارد اتاق که شدم مادرش به محض دیدن من، در آغوشم کشید و سرتا پیم را میبوسید، میگفت بوی دخترم را میدهی، در آن لحظه غم از دست دادن بهترین دوستم تحت اشعاع احساس این مادر قرار گرفته بود، احساس میکردم تمام بدنم بیخ زده است و نمیتوانستم تکان بخورم یا حتی گریه کنم.

بعد از سالها هر بار که یاد آن صحنه میافتم هنوز حس آن مادر و نگاه‌هایش را به یاد دارم، مادری که دخترش را با هزار آرزو بزرگ کرده بود و با حسرت یکبار دیگر در آغوش گرفتن دخترش، روزها و سالها را سپری کرده و میکند.

منتظر است ببیند پدرش را کی برای چند لحظه ملاقات خواهد کرد و حتی زمانی که امکان ملاقاتش را دارد نمیداند پدرش را چه زمانی آزاد خواهند کرد.

خانواده‌های زندانیان سیاسی و جانب‌آختگان هرگز نمیتوانند فقدان عزیزانشان را فراموش کنند. اماغم از دست دادن دوست من وحیده و هزاران مثل وحیده تنها برای خانواده‌هایشان نیست، هر بار که مراسمی برای یک جانب‌آخته گرفته میشود تعداد زیادی از مردم شرکت میکنند چرا که خود را در این غم شریک میدانند و با حضورشان به رژیم نشان میدهند که با یک خانواده روبرو نیستند، با هزاران نفر روبرو هستند.

همین حالا وقتی رژیم یک زندانی سیاسی را اعدام میکند اولین وحشتش از مراسمها و تجمعاتی است که برای بزرگداشت فرد اعدام شده برگزار میشود. وحشت رژیم کاملاً واقعی است، رژیم میدانند که اعدام کردن یک زندانی تنها روی خانواده زندانی تاثیر ندارد، فرد اعدام شده تنها در دل خانواده‌اش قرار ندارد، بلکه در دل میلوتهای نفر در ایران جا دارد، در دل میلوتهای نفر در ایران خشم و تنفر از رژیم را بیشتر میکند، میلوتهای نفر مصمم تر میشوند که این رژیم را بر اندازند. به همین میزان وقتی رژیم هزاران زندانی سیاسی را در زندان شکنجه میکنند، نه تنها خانواده‌هایشان بلکه بخش وسیعی از مردم در ایران عکس العمل نشان میدهند.

به شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد و جایگاهش نگاه کنید، این شعار جزو شعارها و خواسته‌های همه اعتراضات در داخل و خارج ایران قرار گرفته است و این جایگاه زندانی سیاسی و مبارزه برای آزادی را در جامعه کنونی ایران نشان میدهد: این شعار به پیشروی جنبش سرنگونی در ایران مرتبط میباشد.

با توجه به خصوصیت یک رژیم دیکتاتور و سرکوبگری مانند رژیم اسلامی در ایران، زندانیان سیاسی و مبارزه در حمایت از آنها تنها محدود به تعدادی فعال سیاسی علیه رژیم به معنی کلاسیک نیست، چرا که در ایران شما حتماً نباید عضو یک حزب سیاسی باشید که زندانی شده و حتی اعدام بشوید. هر صدای اعتراضی سرکوب میشود؛ کما اینکه رژیم به

جایی رسیده است که میدانند حتی زندان و شکنجه و اعدام هم نمیتواند مردم را بترساند اما چاره‌ای جز این ندارد. در ایران:

-زنی که علیه حجاب اعتراض میکند و حشش را به عنوان یک انسان میخواند دستگیر شده و به او تجاوز میشود؛

-جوانی که میخواند یک زندگی شاد و انسانی داشته باشد دستگیر میشود و در زندان کهریزک و کهریزکها مورد تجاوز و شکنجه قرار میگیرد؛

-مادر زندانی سیاسی که سالهاست از فرزندش بیخبر است تنها به جرم اینکه میخواند بداند فرزندش در کدام زندان است به زندان افکنده میشود؛

-یک بهایی به جرم بهایی بودنش اعدام میشود؛

-یک همجنسگرا تنها به دلیل همجنس گرا بودنش دستگیر و اعدام و حتی بدتر، سنگسار میشود؛

-کارگری که مزد پرداخت نشده‌اش را مطالبه میکند، حق اعتصاب میخواند، میخواند تشککش را بسازد، اول می‌را سازماندهی میکند، دستگیر شده، حکم زندان میگیرد و خانواده‌اش مورد اذیت و آزار قرار میگیرد؛

هر کسی که به هر نحوی بر علیه قوانین و چهارچوب رژیم اسلامی حاکم در ایران باشد دستگیر و شکنجه میشود و در معرض اعدام قرار میگیرد؛

تعریف زندانی سیاسی در شرایط موجود ایران از تعریف کلاسیک فراتر می‌رود. به نظرم وقتی در مورد مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و جایگاهش صحبت میکنیم بسیار مهم است که تعریف همه جانبه‌ای از زندانی سیاسی داشته باشیم. تعریفها و یا بهتر بگویم تقسیم بندیهای مختلفی وجود دارد: زندانیان مدنی، زندانیان عقیدتی، دگر اندیشان زندانی و غیره. اما اینها چه کسانی هستند؟ مگر اینها کسانی نیستند که با نوع زندگی‌شان، تفکر و عقیده‌شان، نوع رفتارشان با قوانین و سیاستهای رژیم مخالفت کرده‌اند؟

مادری که جزو هیچ گروه سیاسی نیست و حتی در یک تظاهرات علیه رژیم هم شرکت نکرده است به جرم اینکه در مقابل زندان اوین شب و روز

می‌ایستد و میخواند فرزندش را ملاقات کند و یا به خاوران برای گرامیداشت یاد فرزندش می‌رود توسط رژیم دستگیر و به زندان افکنده میشوند. این جزو چه طبقه بندی قرار میگیرد؟

از نظر من هر کسی که در ایران به هر نحوی با سیاستها و قوانین و چهارچوب رژیم مخالفت کرده است و به این دلیل به زندان افکنده شده است زندانی سیاسی محسوب میشود. این تعریف مهم است چرا که ابعاد و وسعت جنایات رژیم و نقض حقوق انسانها را در ایران نشان میدهد. رژیم مخالفان را به زندان می‌افکند دقیقاً به این دلیل که حاکمیتش را حفظ کند و مبارزه مردم را به عقب براند و ما باید این حجم و سطح سرکوب را در سطح جهان افشا کنیم و تمام جوانب آن را نشان بدهیم.

اگر تصویر بزرگتری را نگاه کنیم، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در شرایط ایران صرفاً آزاد کردن تعدادی زندانی نیست، این مبارزه ربط مستقیم به جنبش مردم برای سرنگونی رژیم دارد. در طول ۳۲ سال اخیر بخش عظیمی از مردم فرزندان زندانی بوده‌اند، به همان اندازه که سرکوب در جامعه بیشتر بوده است زندانی سیاسی بیشتر شده است. و در عین حال به همان اندازه که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی وسیعتر شده است؛ این مبارزه تلاشهای رژیم برای سرکوبهای وسیعتر را در هم میشکند و تاثیر مستقیم در باز شدن فضای جامعه دارد.

اشاره کردم که در طول ۳۲ سال اخیر بخش عظیمی از مردم فرزندان زندانی دستگیر شده و یا اعدام شده‌اند، این به این معنی است که بیش از ۳۲ سال است که رژیم جنایت می‌افزیند، فکر میکنم بنابر تمام اسناد و مدارکی که هست هیچ کسی در دنیا به جز خود رژیم این را نمیتواند انکار کند، پس اگر باید از جنایات رژیم صحبت کرد مهم است در مورد ۳۲ کل سال جنایت رژیم صحبت کنیم. شاهد این هستیم که تعدادی تنها در مورد جنایات رژیم از سال ۲۰۰۹ صحبت میکنند، چرا؟ من به عنوان یک زندانی سیاسی سابق حق دارم از این افراد و جریانات سوال کنم چرا شکنجه من در زندان نباید مورد بررسی قرار بگیرد؟

اعتراض علیه سیاستهای غیر انسانی اداره مهاجرت سوئد بالا می گیرد!

وزیر مهاجرت سوئد از سمت خود استعفا دهد

امروز ۳۱ اکتبر سه روز پس از مارش بزرگ پناهندگی در استکهلم، LEO PIERINI سخنگوی سیاست خارجی سازمان جوانان حزب مرکز و JONATAN MACZNIK سخنگوی سیاست خارجی سازمان جوانان لیبرال با انتشار مطلب مشترکی در سایت "سونسکا داگ بلادت" وزیر مهاجرت سوئد را زیر انتقاد گرفتند و سیاستهای اعمال شده از سوی این وزارتخانه در زمینه سیاست پناهندگی سوئد را غیر انسانی ارزیابی کردند.

حزب لیبرال مردم و حزب مرکز دو حزبی هستند که در دولت ائتلافی حاکم بر سوئد شرکت دارند و طبقاً انتقاد نسبتاً شدید آنها از وزیر مهاجرت سوئد و سیاستهای این وزارتخانه حائز اهمیت است. بویژه آنکه سازمان جوانان سبز و لیبرال مردم اتخاذ یک سیاست پناهنده پذیری انسانی تر را یکی از ملزومات و شرایط مهم برای ادامه همکاری با حزب مدرات سوئد قلمداد کرده اند. لازم به یادآوری است که در تظاهرات روز ۲۸ اکتبر نیز نمایندگان از احزاب پارلمانی سبز، چپ و دمکرات مسیحی سخنرانی کردند و به سیاست اداره مهاجرت سوئد انتقاد کردند. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از اعلام چنین موضعی برای تغییر سیاستهای غیر انسانی دولت سوئد در قبال پناجویان استقبال می کند.

در ماههای گذشته دولت سوئد شدت عمل بیشتری علیه پناجویان ایرانی و همچنین پناجویان از کشورهای دیگر بخرج داد و تصمیم به دیپورت تعداد قابل توجهی از آنها گرفت. این سیاست غیر انسانی از سوی مردم و سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی و نیروهای مترقی به چالش کشیده شد. از جمله فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و تعداد دیگری از سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی با سازماندهی اعتراضات مکرر، به مقابله با این سیاست برخاستند و موفق شدند ۱۴ پناجوی ایرانی را از خطر دیپورت نجات دهند و در ادامه این اعتراضات روز ۲۸ اکتبر راهپیمایی باشکوهی به ابتکار فدراسیون و همراهی تعدادی از نهادها و سازمانهای دیگر ایرانی، عراقی و افغانی و سوریه در استکهلم برگزار شد. از سوی دیگر اخراج اجباری پناجویان با اعتراض سازمانهایی نظیر عفو بین الملل و حتی کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) مواجه شده است و بازتاب نتایج ناگوار سیاست اخراج پناجویان که در مواردی مانند اخراج یک پناجوی عراقی بنام خالد که منجر به مرگ وی شد، خشم و انزجار زیادی را به همراه آورده است. کار به ۳۱ اکتبر ۲۰۱۱

مریم نمازی و فستیوال لندن

گروه "شوق آزادی" همراه با "یک قانون برای همه" هنرمندانی بین المللی ای را معرفی میکنند که با زبانی هنری نشان میدهند که مذهب و سیستم های ایدئولوژیک چگونه دولتهای خودکامه را ایجاد میکنند. این هنرمندان با نقاشی ها، مجسمه ها و فیلم و کارهای هنری خود به این فراخوان پاسخ میدهند. آثار آنها بسته به نحوه نگاهشان به موضوع متفاوت است. چیزی که آنها را کنار هم قرار میدهد آگاهی آنها و جسارت دست زدن به عمل است.



کنار این جنایات بگزریم و تک تک ما باید صدای زندانیان سیاسی، جانبختگان و خانواده هایشان باشیم و بدون عقوبت بماند. من و شما نباید از

نگذاریم این صدا خاموش شود! این تهیدست که به تاریخ و نسل آینده داریم. (با تشکر)

متن سخنران شیوا محبوبی...

از صفحه ۱۰

تحت نخست وزیر آقایی میرحسین موسوی هزاران دختر و پسر نوجوان و جوان، زن و مرد دستگیر و شکنجه و اعدام شدند. اگر در ایران زندگی نکرده اید و از این جنایات خبر ندارید من شما را به چند سند از اسناد موجود ارجاع میدهم. شما میتوانید به برخی از این اسناد در سایت "ایران تریبونال" یا به گزارش ۱۴۸ صفحه قاضی جفری رابرتسون که روی سایت ما نیز موجود است مراجعه نمایید.

وقتی من و شما که در دهه ۶۰ شکنجه و زندان شدید در مورد این جنایات حرف میزنیم به ما گفته میشود گذشته ها گذشته است، طوری صحبت میکنند که انگار جنایات رژیم از سال ۲۰۰۹ شروع شد، طوری صحبت میکنند که انگار جنایات تاریخ انقضا دارد، و با این کار و با صحبت نکردن در مورد کل جنایات رژیم تاریخ را تحریف میکنند و عملاً پا روی

احساسات هزاران هزار مادر و پدری میگذارند که بعد از سالها هنوز نمیدانند عزیزشان در کجا دفن شده است. آیا شما در بررسی جنایات پینوشه و سران دولتشان تمام دوران جنایاتش را بررسی میکنید و یا از تاریخ معینی شروع میکنید؟ اگر برای پینوشه این کار را نمیکنید سوال اینست چرا برای سران جنایتکار رژیم این کار را میکنید؟

من نمیگویم انسانها نمیتوانند تغییر کنند، امیدوارم یک روز همه سران رژیم به جنبش انسانی و آزادیخواه مردم ایران بپیوند، اما کسی که ادعای تغییر میکند باید ابتدا به تمام جنایات رژیم اعتراف کرده و آنها را محکوم کند، باید به نقش خودش در این جنایات بپردازد، باید در مقابل هزاران خانواده جانبخته و زندانی سیاسی محاکمه شود و جوابگو باشد. در همینجا است که باید تاکید کنم

مصاحبه با عبدالله

اسدی ... از صفحه ۱

این تظاهرات بگوئید. چه نهادهایی در این حرکت سهیم بودند؟ اهداف این حرکت چه بود و چه دستاوردی داشت؟



عبدالله اسدی: تظاهرات ۲۸ اکتبر به ابتکار فدراسیون و همراهی بسیاری از تشکل‌ها و احزاب و نهادها، مختلف برگزار گردید. در این تظاهرات نمایندگان دو انجمن از افغانستان، نمایندگان از حزب سوسیالیست‌های عدالتخواه سوئد، حزب چپ سوئد، حزب محیط زیست سوئد، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، سازمان سراسری پناهندگان (بیمرز) جریانی بنام جبهه آزادیبخش و بسیاری دیگر سخنرانی کردند و خواستار یک سیاست پناهنده‌پذیری انسانی تر شدند. تا آنجایی که به اهداف برگزاری تظاهرات ۲۸ اکتبر بر می‌گردد اهداف این تظاهرات متوقف کردن اخراج پناهنده‌های ایران، افغانستان و عراق و سوریه و کشورهای مشابه بود.

انتروناسیونال: در ماه‌های گذشته شاهد تلاش‌های گسترده‌ای در سوئد برای جلوگیری از دیپورت پناهنده‌های ایران بودیم. کلا سیاست دولت سوئد در این زمینه چیست؟ آیا تلاش و مبارزه بود. هر روزه شاهد دستگیری و بازداشت یک تا دو پناهجوی ایرانی به قصد اخراج به ایران بودیم و باید بلافاصله دست به کار میشدیم. بعضی اوقات لحظه‌ها برای ما تعیین کننده بود. وضعیت پناهنده‌های عراقی و افغانی هم بسیار بدتر از شرایط ایرانی‌هاست. بسیاری اوقات باید در زمان خیلی کوتاهی حتی تجمعات چند نفره در فرودگاه یا مقابل ادارات دولتی ترتیب میدادیم تا کسی را نجات میدادیم. در فاصله چند ماه موفق شدیم جلو اخراج ۱۴ پناهجوی ایرانی را بگیریم و از زندان لحظات انتقال به ایران به سر میبردند. بعضی از اینها اکنون اقامت گرفته‌اند و اکثراً در تظاهرات ۲۸ اکتبر فعالانه شرکت کردند.

عبدالله اسدی: سیاست پناهنده‌پذیری سوئد بر مبنای کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ بر روی کاغذ تغییری نکرده است و الان هم اگر کسی را به عنوان پناهنده می‌پذیرند با اتکا به همان مفاد کنوانسیون ژنو می‌پذیرند. ولی در عمل چنان سختگیرانه عمل می‌کنند که بسیاری از پناهنده‌های در بلا تکلیفی و شرایط سخت زندگی، دچار بیماری‌های جسمی و روحی می‌شوند. تازه از ۲۰۳ سال گذشته پروسه رسیدگی به پرونده‌ها در سوئد نسبت به قبل بسیار کوتاه‌تر شده است بطوری که پناهنده‌های ایرانی که درخواست پناهنده‌گی می‌کنند تا زمانی که آخرین جوابشان را می‌گیرند فقط ۱۰ تا ۱۲ ماه طول میکشد. آنهایی که با درخواست پناهنده‌گیشان مخالفت می‌شود، اداره مهاجرت پرونده‌هایشان را به پلیس مرزی می‌فرستد تا به کشورهایی که از آن گریخته‌اند بازگردانده شوند.

بررسی پرونده پناهنده‌های ایران در سوئد در پروسه انتظار از فیلتر سه مرجع حقوقی می‌گذرد؛ اداره مهاجرت، دادگاه مهاجرت و دیوان عالی کشور.

در میان پناهنده‌های ایرانی که از مراجع فوق پاسخ رد می‌گیرند بندرت دیده می‌شود که یک دوره دیگر پرونده‌هایشان بجزایر بماند. ولی پناهنده‌هایی که پس از دریافت پاسخ منفی به دلیل نتوانسته‌باشند اخراجشان کنند پس از چهارسال اجازه دارند به عنوان پناهجوی جدید دوباره درخواست پناهنده‌گی کنند که شرط پذیرش آنها بر مبنای داشتن دلایل جدید صورت می‌گیرد نه بر اساس دلایل چهار سال پیش. اکثر این پناهنده‌های ایرانی از ترس اخراج در طول این چهار سال به زندگی مخفی پناه می‌برند و مجبور میشوند زندگی خود را از طریق کار سیاه و درآمد پایین و ساعات کار طولانی بگذرانند. بیشتر این پناهنده‌های ایرانی هنگام بیماری با مشکلات بزرگی روبرو می‌شوند و از خدمات درمانی و معالجات اساسی محروم می‌شوند. مسکن یک معضل بزرگ دیگر آنهاست بطوری که بعضی‌ها را به مرز دیوانگی می‌رساند. هزینه‌ای که به پناهنده‌های ایرانی پرداخت می‌شود علیرغم تورم شدید از ۲۰ سال پیش از هزار هشتصد کرون تجاوز نکرده است. هزینه مسکن هم به پناهنده‌های ایرانی تعلق نمی‌گیرد. به تازگی هزینه کلاس زبان بزرگسالان را هم قطع کرده‌اند. پناهنده‌هایی که به زندگی مخفی پناه می‌برند و یا نمی‌خواهند به کشورشان برگردند نیز هزینه‌هایشان قطع می‌شود. اینها همه به زیان پناهنده‌های ایرانی تغییر کرده است.

انتروناسیونال: برای مقابله با سیاست سخت پناهنده‌پذیری دولت سوئد کلا برنامه‌های فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در ماه‌های آینده چیست؟ باز هم قرار است تظاهرات سازمان دهید و یا مورد به مورد برای نجات پناهنده‌های ایرانی و جلوگیری از دیپورت آنها آکسیون‌های اعتراضی برگزار کنید یا نقشه وسیعتری دارید؟

عبدالله اسدی: فدراسیون و جبهه‌ای که در جهت دفاع از حقوق پناهنده‌های ایرانی فعالیت می‌کند باید سعی کند بسیار قویتر ظاهر شوند. برای تغییر رویه دولت سوئد نسبت به پناهنده‌های ایرانی جبهه وسیعتری را باید به میدان بیاوریم. پناهنده‌های بیشتری را باید بسیج کنیم. نهاد‌های مدافع حقوق پناهنده‌های ایرانی یا غیر ایرانی بیشتری دست به اقدامات متحدانه بزنند. افکار عمومی مردم شریف و انساندوست سوئد را باید بیشتر تحت تاثیر قرار دهیم. برای اینکار، هم تظاهرات لازم است هم کار حقوقی و



کشور دارند که اگر در اعتراضات شرکت کنند می‌توانند در روند زندگی پناهنده‌های ایرانی تاثیرات قابل توجهی بگذارند. ایرانیان خارج کشور می‌توانند صدور حکم‌ها را از طریق هفت هشت ماه گذشته نشان داد که با تداوم و گسترش این نوع فعالیت‌ها می‌توانیم جلو هر اخراجی را سد کنیم.

اینکه مردم سوئد چه نقشی در مبارزات پناهنده‌های ایرانی می‌توانند ایفا کنند، بستگی به نوع مبارزه پناهنده‌های ایرانی و سازمان‌هایی مثل فدراسیون دارد. مردم سوئد باید کل ماجرا را بدانند. باید بدانند دقیقاً ما به چه چیزی در سوئد اعتراض داریم و چه نوع کمکی از آنها می‌خواهیم. مردم باید خواسته‌های پناهنده‌های ایرانی را ببینند، باید از زبان ما و از طریق اطلاعیه‌ها و تظاهرات‌ها و شعارهای ما بفهمند که در ایران و افغانستان و عراق و سوریه چه به سر مردم می‌آورد و چرا از این کشورها گریخته‌ایم و به اینجا آمده‌ایم؟ باید هر روز و همه جا اعلام کنیم که در ایران حق تشکل و اعتصاب و اعتراض کارگران وجود ندارد، اعتراض دانشجویان سرکوب میشود، زنان را به جرم رنگ و فرم لباس و یک آرایش ساده مورد آزار و اذیت روزمره قرار میدهند و هزار بلا به سر پیروان مذاهب غیر از مذهب رسمی می‌آوردند. روی برگرداندن از مذهب اسلام و گرویدن به دین دیگری محاربه با خدا محسوب می‌شود. بهائیان در زندان بسر می‌برند و برای افغانی‌ها و عراقی‌های مقیم ایران

گرفتن وکیل و هم راهنمایی پناهنده‌های ایرانی آشنا کردن آنها با قوانین. همانطور که تاکنون شاهد بوده‌ایم به درجاتی که بتوانیم نیروی پناهنده‌های ایرانی و افکار عمومی را به میدان بیاوریم، در خود پارلمان و دستگاه دولت هم شفاف می‌افتد و بخشی از احزاب پارلمانی و حتی دولتی شروع به انتقاد از سیاست‌های وزارت امور مهاجرت میکنند. باید با صراحت کامل به افکار عمومی در سوئد اعلام کنیم که سیاست‌های وزارت مهاجرت سوئد ساده‌ترین ارزش‌های انسانی در برخورد به پناهنده‌های ایرانی است. این استانداردهای کل جامعه را پائین می‌آورد که زیانناک فقط شامل پناهنده‌های ایرانی نیست، دامن مردم سوئد را هم می‌گیرد. شش سال قبل چنین جنبشی در سوئد شکل گرفت که در پی آن هزاران پناهجو که سالها بود به طور مخفی زندگی می‌کردند اقامت گرفتند.

انتروناسیونال: انتظارتان از ایرانیان مقیم سوئد چیست؟ مردم سوئد چه نقشی در حرکت‌های شما دارند؟

عبدالله اسدی: ایرانیان مقیم سوئد همیشه و از هر نظر پشت و پناه خوبی برای پناهنده‌های ایرانی بوده و در سخت‌ترین شرایط از نظر کار و تامین مسکن پناهنده‌های ایرانی را تحت پوشش خود گرفته‌اند و از مبارزات حق طلبانه آنها حمایت کرده‌اند. اما در این برهه از زمان پناهنده‌های ایرانی به حمایت بیشتری احتیاج دارند. تعداد قابل توجهی از پناهنده‌های ایرانی در سوئد بستگانی در این

مینا احادی در ایتالیا

دنیا را علیه جمهوری اسلامی

بسیج میکنیم



۲۱ سپتامبر سخنران کنفرانس "تد" در برزیل بودم. کنفرانسی که در آن شخصیت‌های مهم بین‌المللی در مورد نقش خود در بهبود اوضاع دنیا، کمک به پیشرفت یک پروژه به نفع مردم و کلا تاثیرات زندگی‌شان در زندگی دیگران حرف می‌زدند. چند صد نفر مشتاق شنیدن حرف‌های این افراد بودند. من به این کنفرانس دعوت شده بودم تا از این موضوع مهم حرف بزنم، که در حالیکه دنیا در دو دهه اخیر، سیاهی و تباهی زیادی را تجربه کرد، در حالیکه دو قطب تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی نفس‌ها را در سینه‌ها حبس کردند، و استانداردهای نقض حقوق انسانی به نحو وحشتناکی سقوط کرد، کسانی و می‌خواهم اینجا اضافه کنم حزبی بود که پرچم دفاع از جهانشمولی حقوق انسانی را بلند کرد. این فعالیتها در دنیایی که رسانه‌های عظیم بین‌المللی خود در نقش سویاب اطمینان سیستم و سانسور کننده فعالیت‌های پروژه کمونیست‌ها عمل می‌کردند، باعث شد این رسانه‌ها در مورد فعالیت‌های ما گزارش داده و سد سانسور آنها کمی ترک بردارد.

من در آنجا از کسانی حرف زدم که جزی از زندگی‌م شده‌ام. عکس زنان محکوم به اعدام و سنگسار را نشان دادم که بر اثر این فعالیتها به چهره‌های معروفی تبدیل شده‌اند. عکس نوجوان منتظر اعدام و عکس زنان مردان آزاده‌ای که در سرما و گرما در سراسر جهان و در ایران به خیابان رفته و این پرچم را بلند نگه داشته‌اند.

در این کنفرانس به پاس احترام به این فعالیتها صدها نفر به پا خاستند و اشک ریختند. این صحنه‌ای از ادای احترام مردم برزیل به فعالیت‌های سرخستانه و انسانگراییانه جوانان و مردم ایران بود. کسانی که در مقابل یک حکومت جبار و هار اسلامی مبارزه میکنند و در حالیکه حکومت از سیاهی کامل دفاع میکند، اینها روشنایی و نور و افق یک دنیای بهتر را نمایندگی میکنند.

یک ماه بعد ما در سالن بزرگ

سینمای شهر پردونون در ایتالیا در حضور صدها نفر نشسته ایم و فیلم مبارزات جوانان در سال ۱۳۸۸ در ایران را نگاه میکنیم. صحنه جانباختن ندا و صحنه قیافه‌های مصمم صدها و هزاران زن و مرد جوان از ایران که می‌گویند حکومت اسلامی نمیخواهیم. در این برنامه خوشبختانه صحنه اعتراض زنان هم نسل من در سال ۱۳۵۷ نیز به نمایش در می‌آید. عکس زنان جوانی که در دستهایشان پلاکاردهایی حمل میکنند که در آن نوشته شده "آزادی نه شرقی است نه غربی، جهانی است"!

برای کنفرانس بین‌المللی در ایتالیا با مضمون "آپارتاید جنسیتی در جهان اسلام" من از شهر مونیخ در آلمان پرواز میکنم. در اینجا در جمع کوچکی از مردان و زنانی که از کارخانه و اداره و مراکز کار برای آموزش آخر هفته در نزدیک مونیخ جمع شده‌اند، در حقیقت یک کلاس آموزشی دارم در مورد جنبش اسلامی، اسلام سیاسی و مبارزه علیه حکومت فاشیست اسلامی. چند نفر پلیس، چند معلم، چند زن کارگر و تعدادی از محققین و علاقمندان به این موضوع را در سالن اصلی آکادمی جرج فون فولمار ملاقات میکنم و در مورد مذاهب و نقش مخرب آنها در زندگی بشر در مورد جنبش اسلامی و در مورد بیوگرافی خود و زخمهایی که ما از این حکومت خورده ایم و مبارزات مامردم در مصر و تونس و لیبی و ایران علیه حکومت‌های دیکتاتور و در مورد به شکست کشاندن حکومت اسلامی ایران در عمل و در زندگی روزمره و آغاز سرازیری جنبش اسلامی حرف می‌زنم.

در ایتالیا در دو کنفرانس سخنرانی میکنیم. یکی برای مردم و دومی برای دانش‌آموزان دبیرستان، جوانانی بین ۱۵ تا ۲۱ سال، چهره‌های زیبای جوانان در سالن و توجه کامل آنها به حرف‌های ما و به فیلمی که نشان داده میشود، بسیار جذاب است. سوالات بسیار زیاد است و در نهایت سوال اینست ما چه میتوانیم بکنیم.

در این کنفرانسها در مورد زندگی‌هایی حرف می‌زنیم، که با روی کار آمدن حکومت اسلامی، وارد گردبادی میشوند که با درد و زخم و از دست دادن عزیزان و در عین حال با مبارزه و کوتاه نیامدن همراه است. زنانی در سالن سینما "زرو" سخنرانی میکنند که شکست نخورده‌اند و اینها نمایندگی میلیون‌ها زن در ایران را

میکند.

فریده آرمان یکی از این زنان مبارز و بسیار عزیز است. او کتابی را که آذر محلوچیان سخنران دیگر این کنفرانس، در مورد قتل در لازناکای قبرس نوشته در دست می‌گیرد و می‌گوید "من با دیدن این کتاب بر خود لرزیدم. اینجا عکس صحنه‌ای و خیابانی هست که همسر من غلام کشاورز در لازناکا در آنجا به قتل رسید. این قسمت را که می‌بینید خون همسر من است.. به جمعیت حاضر در سالن نگاه میکنم، آرام آرام اشک میریزند و با احترام و علاقه به فریده نگاه میکنند. نگران هستم که بغض او برترکد و نتواند ادامه دهد. اما او فوراً ادامه میدهد که در ایران جنبش عظیمی علیه این حکومت در جریان است، جوانان به پا خاسته‌اند و حکومت اسلامی رفتنی است!

ما سالهای سال است که در کنفرانسها و جلسات و تظاهرات در دنیا شرکت میکنیم و از روز اول یک حرف را تکرار میکنیم. این حکومت دون شان بشریت است و باید فوراً سرنگون شود. ما در دنیا در مقابل مردم جهان، در مورد حکومتی حرف می‌زنیم که با خون و جنایت نفس میکشد و از هیچ جنایتی ابا ندارد. دست می‌برد، چشم در می‌آورد، زن و همجنس‌گرا، سنگسار میکند و نوجوان و کودک را دستگیر و شکنجه و یا اعدام میکند. این حکومت اسلامی ایران است. ما دست دوستی به سوی مردم دنیا دراز کرده و از آنها خواسته ایم که همبستگی و همیاری خود را با مردم ایران و مبارزات مردم ابراز کنند. بهترین نمونه این ابراز همبستگی کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی بود.

در عین حال ما با دولت‌ها و سیاستمداران نیز جلسه گرفته و حرف زده ایم. چشم‌های سرد و وعده‌های بیهوده و تقلا برای ادامه رابطه با جمهوری اسلامی ایران و ادامه دادن به روابط اقتصادی و سیاسی و در حقیقت دفاع از حیات سیاه و شوم حکومت اسلامی، برنامه همه آنها است. یک خواست ما در نشستها و کنفرانسهای عمومی از مردم ایتالیا، آلمان، سوئد، دانمارک و انگلیس و برزیل و همه جا اینست که دولتهای خود را تحت فشار بگذارید حکومت آپارتاید جنسیتی در ایران را بایکوت سیاسی کنند. سفارتخانه‌های این حکومت را ببندند و این حکومت را به رسمیت نشناسید. من بارها با مقامات دولتهای سوئد، دانمارک، آلمان، نروژ، اطریش،

برزیل، و با مقامات اتحادیه اروپا و همچنین مقامات سازمان ملل نشست داشته‌ام. کمیسیونهای حقوق بشر این دولتها همه و همه، سعی در توجیه ادامه رابطه با این حکومت دارند، و جالب اینست که روزهایی که راهی سفر ایتالیا هستم، در جریان خبر اعزام یک هیئت از اتحادیه اروپا به ایران قرار می‌گیرم. با تعدادی از این نمایندگان راهی سفر، تماسهایی می‌گیریم و به این سفر اعتراض میکنیم. اما اتحادیه اروپا مصمم است به ایران هیئت بفرستد و زیر فشار اعتراضات، هیئت مزبور سعی میکند بدون خبر دادن به حکومت با تعدادی از سازمانهای غیر دولتی و یا افراد مخالف حکومت نیز تماس گرفته و خواهان ملاقات با آنها نیز میشود، سفر هیئت مزبور به ایران از طرف مقامات حکومت اسلامی کسلسل میشود و روسیاهی مجدداً به زغال میماند. قرار است روز ۶ دسامبر در پارلمان اروپا در این مورد کنفرانس مطبوعاتی داشته باشیم.

در برزیل در اواخر سپتامبر ۲۰۱۱ و همچنین در سفر قبلی ما به این کشور، با مقامات حکومت برزیل نشست داشته و با آنها در مورد بستن سفارتخانه‌های حکومت اسلامی حرف زدیم. در ایتالیا، سفیر قبلی سخنرانان کنفرانس علیه آپارتاید جنسیتی بود و در حاشیه کنفرانس نیز با او صحبت کردیم. چرا دولت ایتالیا ایران را بایکوت سیاسی نمیکند آیا نمیتوان سفارتخانه این حکومت جنایتکار را بست. قرار است بزودی با مقامات دولت ایتالیا نشستی در این مورد داشته باشیم.

ایران آستن تحولات مهمی است. انقلاب ناتمام جوانان علیه این حکومت باید هر چه زودتر به سرانجام

مصاحبه با عبدالله اسدی ...

شناسنامه و کارت ملی صادر نمی‌کنند. اینها و بسیاری شرایط شبیه این دلیل واقعی فرار مردم و افزایش متقاضیان پناهندگی از ایران. باید همه بدانند و دولت سوئد به رسمیت بشناسد که ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی جای امنی برای مردم نیست و این حق مردم است که از ایران فرار میکنند و باید به آنها اقامت داده شود.

موفقیت‌های ما در سال گذشته که از جمله به جلوگیری از دیپورت ۱۴ پناهجوی دستگیر شده ایرانی انجامید و تظاهرات موفق ۲۸ اکتبر و شکافی

برسد و حکومت اسلامی ایران باید سرنگون شود. مردم ایران زنان و جوانان آزاده‌ای که برای آزادی، برای حرمت انسانی و برای برابری کامل مبارزه میکنند، باید از همین امروز برای ساختن آینده هشیار عمل کنند. ما به نوبه خود میکوشیم در دنیا همبستگی مردم دنیا را به سوی یک آینده بهتر، در ایران جلب کنیم. آینده‌ای که بر جهانشمولی حقوق انسانی، لغو کامل اعدام و سنگسار و بریدن دست مذهب از زندگی مردم، مبتنی است. آینده‌ای که میتوانستند و باید در مقابل حکومت‌های دیکتاتور به هر اسم و عنوانی بایستد. آینده‌ای متکی بر استفاده از امکانات گسترده و پیشرفته ارتباطی کنونی و متکی بر دمکراسی شورایی و مستقیم و با دخالت مستقیم مردم در زندگی و مقررات خودشان میتوانند همراه گردد. این آینده در مقابله کامل با سناریو سازی و دفاع از نیروهای ارتجاعی و عقب مانده این بار در قالب "اسلام مدرن" و یا "ناسیونالیسم با رنگ و لعاب جدید" است.

ما خواهان جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش هستیم. برابری کامل زن و مرد، آزادی مطلق بیان و اندیشه، لغو کامل سانسور، هیچ چیز مقدس نیست و فردای سرنگونی حکومت اسلامی نباید به کسی اجازه داد این بار به اسم خاک و شاه و میهن و ناموس و غیره خون بریزد.

در کنفرانسها و نشست‌های بین‌المللی، همبستگی مردم را بسوی مبارزات مردم ایران جلب میکنیم و این آینده را نمایندگی میکنیم. آینده‌ای با لغو کامل استعمار و با امکان دخالت مستقیم و روزمره مردم برای پی افکندن یک زندگی بهتر.*

از صفحه ۱۰

که در میان احزاب حاکم در این زمینه ایجاد شده است، ما را در موقعیت مساعدتری برای تداوم مبارزه در دفاع از حقوق پناهجویان قرار داده است و فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی قاطعانه و مصمم تر از همیشه به تلاش خود در این زمینه ادامه خواهد داد و من تردیدی ندارم که در این راه پناهجویان ایرانی و افغانی و عراقی و ... و بسیاری از نهادهای مدافع حقوق پناهندگی و بسیاری از مردم انساننوست را در کنار خود خواهیم داشت.*

بار دیگر انعکاس صدای مردم ایران در ایتالیا گفتگو با فریده آرمان



انترناسیونال: فریده آرمان شما این هفته به همراه مینا احدی و شخصیت‌های دیگری در کنفرانس در ایتالیا شرکت داشتید که علیه تبعیض علیه زنان بود. کمی در مورد این کنفرانس و برگزار کنندگان برای خوانندگان انترناسیونال توضیح دهید.

فریده آرمان: در واقع عنوانی که برای این کنفرانس انتخاب شده بود "آپارتاید جنسی در جهان اسلام" بود و آفیش‌های بزرگی که در شهر "پروندون" نصب شده بود و بسیار جالب بود و جلب توجه میکرد همین عنوان را روی خود داشت. این کنفرانس از طرف "کمیته ندا دی" با همکاری شهردار و فرماندار پروندون، سینما زو، دانشگاه اودینه و دانشگاه پروندون با کارگردانی دکتر مارکو روسیتی (پروفسور دانشگاه اودینه) برگزار شد. آقای طاهر جعفرزاد تلاش ویژه ای برای جلب توجه مدیای ایتالیا و مردم ایتالیا به مسئله مهمی چون آپارتاید جنسی به زنان در کشورهای اسلام زده کردند. ایشان مطلبی در مورد آپارتاید جنسی در ایران و تبعیض بی حد و حصری که به زنان روا می شود نوشته و آن را برای روزنامه ها و تلویزیون ایتالیا فرستادند که در چند روزنامه در مورد این کنفرانس مطلب چاپ شده بود.

در این کنفرانس من و مینا احدی دعوت شدیم و دیگر شرکت کنندگان آن آذر محلوچیان نویسنده ایرانی در سوئد، که آخرین کتابشان به اسم "در لازناکا ملاقات می کنم" داستان ترور غلام کشاورز توسط جمهوری اسلامی در لازناکا کشور قبرس به صورت یک رومان است که در این کنفرانس معرفی شد. خانمی به نمایندگی از انجمن "سمایل اگین" به معنی دوباره بخند، در این کنفرانس شرکت داشت که فعالیت انجمنشان را با نمایش فیلمی تکان

دهنده از دخترانی که با پاشیدن اسید به صورتشان مورد خشونت واقع شده اند نشان می داد و کمکی که این نهاد به این قربانیان خشونت به زن می کند. آنها این دختران را مجازا مورد عمل جراحی پلاستیک قرار می دهند و گاهی بعضی از این دختران را برای عمل های پیچیده تر به ایتالیا منتقل می کنند این انجمن سالانه حدود ۴۰ دختر را عمل جراحی می کند. آقای دکتر روبرتو توسکانا (سفير سابق ایتالیا در ایران) و همچنین وکیل ایتالیایی سکینه محمدي آشتیانی نیز در این جلسه حضور داشتند. این کنفرانس با حضور تعداد زیادی از مردم شهر پروندون و شهردار و تعدادی دیگر از مقامات دولتی برگزار شد. کنفرانس با نمایش فیلمی از جعفر پناهی کارگران که اکنون در خانه اش زندانی است شروع شد و در طول کنفرانس هم یک کلیپ ویدئویی از مبارزات مردم در ایران و همچنین فیلمی از اعدامها در ایران به نمایش گذاشته شد. صحبت ها عمدتاً حول بی حقوقی مردم در جمهوری اسلامی، مسئله تبعیض به زنان، اعدام های سیاسی و سنگسار در ایران بود و حاضرین را به شدت تحت تاثیر قرار داده بود. لینک فیلم کنفرانس که روی اینترنت هست چنین است:

<http://www.pnbox.tv>

انترناسیونال: علاوه بر این کنفرانس در چه برنامه های دیگری در ایتالیا شرکت داشتید؟

فریده آرمان: روز بعد این کنفرانس ما برای شرکت در یک برنامه دو ساعته تلویزیونی که به صورت زنده پخش می شد نیز دعوت شدیم و در آن به همراه خانم محلوچیان و آقای جعفرزاد شرکت کردیم. تلویزیون سراسری ایتالیا دو ساعت حول مسئله ایران برنامه زنده داشت که شامل صحبت‌های ما شرکت کنندگان در این برنامه و نمایش فیلمی از مبارزات مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی و بحث بر سر آپارتاید جنسی در ایران بود و عملاً



روز شنبه ۲۹ اکتبر در سالن بزرگی تعداد زیادی از دانش آموزان چند دبیرستان جمع شدند و ابتدا با دیدن فیلم "آف سایت" که به زبان ایتالیایی دوبله شده بود با مشکلات و مسئله تبعیض به زنان ایران در قالب یک فیلم آشنا شدند. بعد از نمایش فیلم من و مینا احدی و خانم محلوچیان برای دانش آموزان صحبت کردیم و به سوالات آنها پاسخ دادیم.

انترناسیونال: در کنفرانس شما یکی از سخنرانان بودید کمی هم در مورد صحبت‌های خودتان در این کنفرانس بگویید که روی چه نکاتی تاکید داشتید.

فریده آرمان: من در این سه برنامه و از جمله در کنفرانس روز ندا، ۲۷ اکتبر در مورد اعدام زندانیان سیاسی و ترورهای خارج کشور، مسئله آپارتاید جنسی در ایران صحبت کردم. در اشاره به کتاب آذر محلوچیان که در مورد ترور غلام کشاورز همسر در قبرس بود به افشای جمهوری اسلامی پرداختم و برخی از جنایات این حکومت را مورد افشاجاری قرار دادم. بخش مهمی از صحبت هایم در مورد بی حقوقی زنان در ایران بود و در مورد قوانین اسلامی صحبت کردم و با طرح یک مثال سعی کردم این وضعیت زنان را بطور ملموس برای شرکت کنندگان نشان دهم. کلاً صحبت‌هایم در این زمینه ها بود و برای مثال با اشاره به یک بند قانون به زن نمی دهند و در مواردی که یک زن موفق به گرفتن طلاق خود شود حق نگه داری از فرزند به پدر می رسد. همین یک قانون در جمهوری اسلامی موجب این می شود که میلیونها زن برای اینکه حق نگهداری از فرزند خود را از دست ندهند به یک رابطه ناخواسته و عملاً به تجاوز به خود تن می دهند. گفتیم که توهین و تحقیر به زن در ایران و

جوانان ایران به داشتن یک جامعه مدرن، سکولار و با تمام نرملهای انسانی اشاره کردم و اینکه آنها در ایران دقیقاً مثل یک جوان ایتالیایی فکر می کنند و نیازشان همانی است که شما دارید. آنها شادی می خواهند و آزادی در همه وجوه زندگی.

انترناسیونال: با تشکر از شرکت شما در این گفتگو

خشونت به زن امری دولتی، قانونی و روزمره است. در صحبت‌هایم از مردم ایتالیا خواستم که با زنان ایران اعلام همبستگی کنند، به جنبش مردم ایران برای آزادی کمک کنند. گفتیم که سران جمهوری اسلامی دستشان به خون مردم ایران آغشته است، نباید آنها را به عنوان نماینده مردم ایران پذیرفت.

در سخنرانی خود با محصلین دبیرستان در مورد خواستها و نیاز

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!